

تحلیل ارتباط ترامتنی همایش پرندگان نوشته پتر سیس با منطق الطیر عطار^۱

مقاله علمی - پژوهشی

سارا ذبیحی^۲

احمد رضی^۳

تاریخ دریافت: ۹۹/۰۶/۰۵

تاریخ پذیرش: ۹۹/۱۰/۰۷

چکیده

هدف پژوهش حاضر توصیف و تبیین سازوکار ارتباط ترامتنی کتاب همایش پرندگان نوشته پتر سیس با منطق الطیر عطار در عرصه جهانی است. براساس اسناد پیرامتنی، این کتاب با اقتباس از منطق الطیر برای مخاطب کودک و نوجوان در قالب داستان منشور باز آفریده شده است. این پژوهش با رویکرد بینامتنی به توصیف ارتباط ترامتنی همایش پرندگان با منطق الطیر و تبیین وجوه ارتباطات پنجگانه بین آن‌ها و ارزیابی ظرفیت الگوی ترامتنیت ژنت می‌پردازد. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد داستان همایش پرندگان با منطق الطیر در ارتباطات بینامتنی از نوع صریح و ضمنی، بیش‌متنی همان‌گونه و تراگونه و فرامتنی تأییدی و تشریحی بنابر اقتضای مخاطب خود اشتراک دارد و از منظر روابط بیش‌متنی تراگونه و سرمتنی، تفاوت‌هایی از جمله کاهش حجم، تغییر قالب و فروکاست

۱. شناسه دیجیتال (DOI): 10.22051/jml.2021.32838.2092

۲. دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی، دانشکده ادبیات، دانشگاه گیلان، گیلان، ایران (نویسنده مسئول)؛

sarah_zabihi@phd.guilan.ac.ir

۳. استاد گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده ادبیات، دانشگاه گیلان، گیلان، ایران؛razi@guilan.ac.ir

بُعد عرفانی به حماسی - تعلیمی را شامل می‌شود. پیرامتن‌های درون و برون، میزان وفاداری داستان همایش پرندگان را به اثر اصلی نشان می‌دهد. واکاوی ظرفیت الگوی ژنت، علاوه بر نمایش کارکرد آن، معضلاتی چون کم‌رنگی نقش خواننده، دریافت و واکنش فعال او، عدم استقلال متن و نبود نظام ارزیابی ساختاری از نوع دور هرمنوتیکی در متنها و غایت پرداخت این بوطیقای باز را نشان می‌دهد.

واژه‌های کلیدی: حماسه عرفانی - تعلیمی، ترامتنتیت، بازنویسی متون، بازآفرینی، ژنت.

۱ - مقدمه

بازنویسی و بازآفرینی آثار کلاسیک فارسی در حوزه ادبیات کودک و نوجوان جایگاه مهم و ارزشمندی دارد. موضوع حفظ میراث ادبی و انتقال آن به مخاطب کودک و نوجوان همیشه مورد توجه فعالان این حوزه ادبی بوده است که با انگیزه‌ها و دلایل گوناگون به آن می‌پرداختند. در این میان منطق الطیر عطار به‌عنوان یکی از گنجینه‌های ادبیات کلاسیک فارسی الهام‌بخش نویسندگان در خلق آثار جدید بوده است. منطق الطیر جغرافیای مکانی را درنوردیده و پا را از سرزمین‌های فارسی زبان فراتر نهاده و در سطح جهانی نیز مورد توجه قرار گرفته است. یکی از کتاب‌های داستانی که با اثرپذیری از منطق الطیر منتشر شده، همایش پرندگان اثر پيتر سيس، نویسنده، تصویرگر و فیلم‌ساز اهل چک است. سيس آن را در سال ۲۰۱۱ براساس منطق الطیر عطار برای مخاطب کودک و نوجوان و بزرگسال توأمان بازآفرینی و تصویرگری کرد. این کتاب طی سال‌های بعد نیز تجدید چاپ شد و مورد اقبال خوانندگان در سطح جهان قرار گرفت. او یک سال بعد یعنی در سال ۲۰۱۲ برای خلق مجموعه آثار خلاق و شگفت‌انگیز و چندلایه برای مخاطب کودک و نوجوان موفق به دریافت جایزه هانس کریستین آندرسن یا دوسالانه نوبل کوچک - معتبرترین ادبی و هنری حوزه ادبیات کودکان - شد. سيس طی سال‌ها فعالیت خود نه تنها این جایزه، بلکه جوایز متعدد دیگری را همراه با شهرت جهانی نصیب خود کرد. زهره قائینی، نویسنده و پژوهشگر ادبیات کودک، این کتاب را در سال ۱۳۹۵ به زبان فارسی ترجمه کرد. ترجمه او سال بعد در جشنواره‌های داخل کشور به‌عنوان یکی از نامزدهای ششمین دوره اهدای نشان طلایی و نقره‌ای لاک‌پشت پرنده برای مخاطب نوجوان برگزیده شد.

مقاله حاضر با روش توصیفی - تحلیلی درصدد است تا چگونگی ارتباط ترامتني کتاب همایش پرندگان را با منطق الطیر عطار توصیف کند و با درنظر داشتن روابط پنجگانه توضیح دهد

که چه گفتگویی بین این دو کتاب در گرفته و این گفتگوها چگونه و به چه شیوه‌ای بوده است. همچنین نشان دهد که *منطق‌الطیر* با چه روش و کیفیتی نمود تازه‌ای یافته و چه وجوه اشتراک و افتراقی بین آن دو برقرار است.

از این رو، در این پژوهش از منظر رویکرد بینامتنیت و مشخصاً نظریهٔ ترامنتیت ژنت با صبغهٔ انتقادی به مسئله نگریسته می‌شود. به عقیدهٔ هانت، موضوع ارتباط میان متون از آن جهت اهمیت دارد که «متن‌ها در انزو معنا نمی‌دهند و تعاملی مدام بین آن‌ها جاری است» (ویلکی، ۱۳۸۱: ۴). از این رو بینامتنیت از دیرباز با این اندیشه که متن‌ها با همدیگر گفتگو می‌کنند، پژوهشگران را درگیر کرده است. ژنت نیز در قرن بیستم نظریهٔ «ترامنتیت^۱» را دربارهٔ چگونگی و انواع ارتباط متن‌ها ارائه کرد. نظریهٔ ترامنتیت او پنج نوع رابطهٔ «بینامنتیت^۲»، «بیش‌متنیت^۳»، «پیرامنتیت^۴»، «فرامنتیت^۵» و «سرمنتیت^۶» را شامل می‌شود.

۲- پیشینهٔ پژوهش

در زمینهٔ اقتباس، بازنویسی و بازآفرینی در حوزهٔ ادبیات کودک و نوجوان پژوهش‌های قابل توجهی صورت گرفته است. اغلب بررسی‌های مربوط به آثار بازنویسی و بازآفرینی شده از *منطق‌الطیر* بر مخاطب‌شناسی، تبیین اصول بازنویسی و بازآفرینی، واکاوی عناصر داستان و یا منحصراً به صورت جزئی بر بعضی اجزای داستان و محتوا متمرکز بوده‌اند. دربارهٔ مطالعات مربوط به بازنویسی آثار عطار می‌توان به این پژوهش‌ها اشاره کرد: سنجری (۱۳۸۴) بازنویسی‌های *منطق‌الطیر* و برخی آثار ادبی دیگر برای مخاطب کودک و نوجوان را نقد کرده و مرادپور (۱۳۹۱) بازنویسی در ادبیات کودک را مورد بررسی قرار داده است. حسن‌زاده (۱۳۹۲) به تحلیل انتقادی اقتباس‌های مربوط به آثار منظوم عطار برای کودک و نوجوان پس از انقلاب اسلامی پرداخته است و عارفی و شعبان‌زاده (۱۳۹۳) به تحلیل دگرگونی درون‌مایهٔ قصه‌های عرفانی در بازنویسی‌های آذریزدی پرداخته‌اند. نجفی بهزادی و همکاران (۱۳۹۸) نیز برخی حکایت‌های بازنویسی شده از عطار برای نوجوانان را نقد کرده‌اند. به تدریج با چشم‌اندازهای معاصر و شیوه‌ها و رویکردهای نوین مطالعات تطبیقی، طلیعهٔ پژوهش‌های مرتبط با به‌کارگیری نظریهٔ بینامنتیت و ترامنتیت در بررسی اقتباس‌های برگرفته از متون کهنی چون *منطق‌الطیر* در حوزهٔ ادبیات کودک و نوجوان ظهور کرد. از جملهٔ آن‌ها می‌توان به پژوهش باقری (۱۳۹۳)، بالو و همکاران (۱۳۹۵)، حسام‌پور و همکاران (۱۳۹۵)، زمانی (۱۳۹۷) و پوریزدان‌پناه کرمانی و شیخ‌حسینی (۱۳۹۸) اشاره کرد که از میان آن‌ها تنها بخشی از مقالهٔ بالو و همکاران با هدف تحلیل نظریهٔ ترامنتیت، نگاهی به

منطق الطیر داشته است. بدین ترتیب، براساس ظرفیت و اهمیت منطق الطیر در ادبیات کودک و نوجوان و برای این مخاطبان و مبنی بر چشم اندازهای تازه ادبیات و مطالعات تطبیقی، بررسی الگوی ترامنتیت از یک طرف و تحلیل بازنویسی و بازآفرینی منطق الطیر با روش تطبیقی در عرصه جهانی از طرف دیگر اهمیت می یابد. سوابق پژوهش نشان می دهد که نقد و تحلیل منطق الطیر و اقتباس های برگرفته از آن در قالب داستان مکتوب برای مخاطب کودک و نوجوان براساس الگوی ترامنتیت ژنت به صورت مستقل مورد توجه قرار نگرفته است. شایان ذکر است که بررسی ترامنتی رساله الطیرها در ادبیات بزرگسال بی سابقه نیست. برای نمونه می توان به پایان نامه شفیع (۱۳۹۷) که با رویکرد در زمانی به تحلیل رساله الطیرهایی چون منطق الطیر عطار پرداخته است و دیگر پژوهش هایی اشاره کرد که به روابط بینامنتی و ترامنتی منطق الطیر با اقتباس های آن در قالب های نمایشنامه، انیمیشن و... توجه کرده اند. تلاش جلالی (۱۳۹۴) در مقاله «مبانی نقد بینامنتیت در ادبیات تطبیقی کودک و نوجوان» در زمره مقدمه ای نظری برای بررسی ترامنتی منطق الطیر و آثار مقتبس از آن در این پژوهش و پرداخت های آینده نسبت به نمونه های دیگر است. از جمله پژوهش هایی که در ایران به مطالعه همایش برندگان پیترو سیس - اثر مقبول و محبوب جهانی - پرداخته اند، می توان به مقاله آرامش فرد (۱۳۹۴) اشاره کرد که پیش از ترجمه این کتاب، براساس نسخه انگلیسی آن درباره تصویرگری سیس به اجمال توضیح می دهد و دیگری پایان نامه نوراللهی (۱۳۹۸) در رشته هنر است که رابطه متن و تصویر این کتاب را بررسی کرده است. باتوجه به پیش فرض ارتباط متون و پیشینه نقد و تحلیل بازنویسی ها و بازآفرینی های منطق الطیر، ضرورت واکاوی و تبیین و توصیف ارتباط این متون با متن اصلی باتوجه به ارتباطات درون و برون متنی و حتی بینافرهنگی با الگوگیری از یک نظریه مشخص که موجب روایی و پایایی پژوهش گردد، برجسته و غالب می شود.

۳- مبانی نظری: ترامنتیت ژنت

روش مطالعه بینامنتی ریشه در آثار منتقد روسی، میخائیل باختین دارد اما او از اصطلاح «بینامنتی» استفاده نمی کند بلکه از «دیالوگ» یا «گفتگو» بهره می گیرد (Nikolajeva, 2008: 31). درواقع «دیالوگ شناسی هم فلسفه و هم روش شناسی است، در عین حال این ویژگی سعی دارد تصویری متفاوت از جهان و روش ارائه کند تا به ما نشان دهد چگونه می توانیم این جهان را درک کنیم. در این مرحله از درک، گفتگو با زبان رابطه عمیقی برقرار می کند و زبان در مرکز فهم ما از جهان «خود» و «دیگری» قرار می گیرد» (Manouchehri & Pour Zaki, 2012: 6). هر یک از

نظریه پردازان دیدگاه خاص خود را از گفتگومندی ارائه کرده‌اند. در این میان ژنت به‌عنوان تکمیل‌کننده و واضح «ترامنتیت» با بن‌مایه‌های گفتگومندی باختینی الگوی خود را وضع کرد. «در شرایطی که هر متن چیزی جز یک بینامتن نباشد، خواننده آن به هیچ روی با یک مجموعه ثابت از نسبت و روابط روبه‌رو نخواهد بود» (صافیان و غیاثوند، ۱۳۹۰: ۷۲)، بنابراین با پذیرش بینامتن یک پویایی مداوم در ارتباطات متنی برقرار خواهد شد. ژنت با گسترش دامنه مطالعاتی کریستوا، هر نوع رابطه میان یک متن با هر نوع متن و شبه‌متن را ترامنتیت نامگذاری کرده و آن را به پنج دسته سرمنتیت، پیرامنتیت، فرامنتیت، بیش‌منتیت و بینامنتیت تقسیم کرده است (آذر، ۱۳۹۵: ۲۰). تفاوت بینامنتیت کریستوایی و ترامنتیت ژنتی در بررسی طولی و عرضی است؛ بینامنتیت در ترامنتیت ژنت، برخلاف بینامنتیت کریستوا، ارتباطات را هم در محور عرضی و هم در محور طولی بررسی می‌کند؛ یعنی ژنت علاوه بر رمزگان و مؤلفه‌های درون‌متنی، فراتر از متن می‌رود و ژانر اثر، خواننده منتقد، فرهنگ، نشانه‌های پیرامنتی و آستانه‌های آن را نیز مورد توجه و مذاقه قرار می‌دهد. در ادامه به معرفی روابط پنجگانه ژنت پرداخته می‌شود.

بینامنتیت: بینامنتیت رابطه میان دو متن براساس هم‌حضور است (همان: ۱۳۸). ژنت این ارتباط را «حضور همزمان دو متن یا چندین متن» و «حضور بالفعل یک متن در متنی دیگر» (آلن، ۱۳۸۵: ۱۴۸) توصیف می‌کند. او بینامنتیت را سه نوع می‌داند: صریح (لفظی)، غیرصریح و ضمنی. «بینامنتیت ضمنی نه همانند بینامنتیت صریح مرجع خود را اعلام می‌کند و نه همانند بینامنتیت غیرصریح سعی در پنهان‌کاری دارد» (نامورمطلق، ۱۳۸۶: ۱۳۶). یعنی خوانندگان آشنا به متن ۱ بینامنتیت ضمنی را در متن ۲ درمی‌یابند. برخی پژوهشگران گونه دوم را نوعی سرقت ادبی تلقی می‌کنند، چراکه ارجاع مستقیم یا غیرمستقیم که در بینامنتیت صریح وجود دارد، گویی در بینامنتیت غیرصریح پنهان یا کتمان می‌شود. در صورتی که در بینامنتیت ضمنی اثر جدید خواننده آشنا را با اشارات، کنایات یا تلمیح‌های خاص به متن قبلی می‌رساند.

فرامنتیت یا ورامنتیت: ژنت رابطه تفسیری یک متن با متن دیگر را فرامنتیت می‌نامد (آلن، ۱۳۸۵: ۱۴۹). به عبارت دیگر فرامنتیت به معنی ارجاع صریح یا ضمنی یک متن بر متن دیگر است، اما نه از نوع ارجاع بینامنتی. به گفته ژنت فرامنتیت متن مشخصی را به متن دیگر می‌پیوندد، بدون اینکه نیازی به استناد به آن باشد (بدون فراخواندن/ نقل آن)، در واقع گاهی متن حتی بدون نام بردن از متن قبلی درباره آن صحبت می‌کند. ژنت انتظار دارد ارجاعات ضمنی یک مرجع ضمنی داشته باشند که درک شوند (Mirenyat & Soofastaei, 2015: 535). در واقع فرامنتیت تفسیر انتقادی صریح یا ضمنی یک متن بر متن دیگر است که می‌تواند تفسیر یک متن ادبی باشد.

رابطه بین یک متن و متن انتقادی دیگر که «پس از آن» (به صورت پیرامونی آن) نوشته شده است (همان). این رابطه ممکن است با بینامتنیت صریح و ضمنی اشتباه گرفته شود.

سرمتمنیت: این جنبه از متن به انتظار خواننده و از این رو به دریافت او از یک اثر مربوط می‌شود (آلن، ۱۳۸۵: ۱۴۹). در واقع منظور از ارجاع به انتظار خواننده به گونه‌ای گذار از درون متن به کلیت متن و گونه یا ژانر آن است؛ یعنی ارجاع به کلیت ارتباطی. «سرشت سرمتمنی متون شامل انتظارات ژانری، وجهی، مضمونی، و صوری خواننده از متون می‌شود» (همان: ۱۵۰). به هر حال «ژنت روابط طولی میان یک اثر و گونه‌ای را که اثر به آن تعلق دارد، سرمتمنیت می‌نامد» (نامور مطلق، ۱۳۸۶: ۱۳۲). اینکه اثر جدید کدام ویژگی‌ها و بن‌مایه‌های ژانری اثر قبلی را در خود انعکاس دهد و در چه حدی به تغییر آن بینجامد و یا تماماً آن را دگرگون کند، در این رابطه می‌گنجد.

پیرامتنیت: کتاب *آستانه‌های ژنت* به توضیح این ارتباط پرداخته است؛ او پیرامتن‌ها را به صورت تجربی متشکل از داده‌هایی ناهمگون -خارج و غیر از متن اصلی- ناشی از انواع اعمال و سخنان دوره‌های زمانی مختلف می‌داند که تحت عنوان یک بهره متداول یا تأثیرات همگرا قابل ارائه -اند (Genette, 1997: 2). ژنت به داده‌هایی اشاره می‌کند که آستانه‌های متن را دربرمی‌گیرند؛ متونی که توسط اشخاصی از جمله مؤلف، ناشر، منتقد و دیگران در زمان‌های مختلف می‌توانند در حواشی و یا خارج از بافت و ساختار متن اصلی پیرامون آن را احاطه کنند. از جمله این پیرامتن‌ها «عنوان، عنوان فرعی، پیشکش‌نامه، پی‌نوشت، طرح روی جلد، مقدمه، مصاحبه، تبلیغات و...» (نامور مطلق، ۱۳۸۶: ۱۳۵) هستند که دروازه‌های ورود به متن یا خروج از آن و یا عنصر تأثیرگذار بر ذهن و دریافت مخاطبان محسوب می‌شوند. تغییر رویه‌ها و معانی پیرامتن‌ها بسته به دوره، فرهنگ، ژانر، نویسنده، کار و چاپ یا ویرایش گاهی به‌طور مرتب با نوسان درجه‌های فشار افزایش می‌یابد (Genette, 1997: 3)؛ به عبارت دیگر، پیرامتن‌ها می‌توانند با تجدید چاپ، تجدید حیات یابند و یا به دلایلی از جمله توجه یا عدم توجه با کاهش، افزایش و یا تغییر مواجه شوند و این موارد به چگونگی بازنشر و حواشی‌ای که توسط مؤلف، ناشر یا منتقد/خواننده ایجاد می‌شود، وابسته است.

بیش‌متمنیت یا زیرمتمنیت: ژنت در کتاب *الواح بازنوشتنی* هر گونه مناسب بین متن «ب» با متن «الف» که آن دو را متحد می‌کند، بیش‌متمنیت دانسته است اما شیوه پیوند چنان نیست که متن «ب» تفسیر متن «الف» باشد (آلن، ۱۳۸۵: ۱۵۶). زمانی که ژنت می‌گوید «زبرمتن‌ها به واسطه دگرگونی یا تقلید از کارهای قدیمی مشتق می‌شوند» (Genette, 1982: 1)، در واقع او در حال تعریف

بیش متنیّت است؛ «اشتقاق» معنای «برگرفتنگی» را می‌رساند که برخلاف بینامتنیت، رابطه‌ای براساس هم‌حضور نیست، ارتباطی براساس برگرفتنگی متن ۲ از متن ۱ است. بیش متنیّت به دو گونه تقسیم می‌شود: تراگونگی یا تغییر و همان‌گونگی یا تقلید که با معیار «سبک» سنجیده می‌شود. تقسیم‌بندی‌های تراگونگی از زوایای مختلف صورت گرفته است؛ عناصری مربوط به صورت یا فرم اثر و محتوا که از جمله آن‌ها حجم و اندازه، سبک، کمیت، تغییرات درونی و محتوای (نامور مطلق، ۱۳۸۶: ۱۲۸-۱۲۹). بیش متنیّت اثر را با ژانر خود در محور طولی ربط می‌دهد.

۴- بحث و بررسی

۴-۱ ارتباط پیرامنی همایش پرندگان با منطق الطیر

ژنت پیرامتن‌ها را به دو دسته درون‌متنی و برون‌متنی تقسیم می‌کند. پیرامتن‌های درونی مهارشده و هماهنگ‌ترند و وحدت نسبی دارند. نمونه آن‌ها عنوان، عنوان دوم، اندازه کتاب، طرح روی جلد و... است که ناشر، مؤلف یا شخص دیگری آن را محقق می‌کند. اما پیرامتن‌های برونی تنوع و گوناگونی بیشتری دارند، طوری که می‌توان آن‌ها را به دو دسته تقسیم کرد: پیرامتن‌هایی که مؤلف و ناشر برای جلب و جذب مخاطب خلق کرده‌اند و پیرامتن‌هایی که دیگر اشخاص از جمله منتقدان یا گزارشگران و دیگر مؤلفان در راستای تبلیغ یا نقد متن ایجاد می‌کنند. به عبارت دیگر، از آنجا که پیرامتن‌ها مقاصد و محتوای درونی نویسنده را بیان می‌کنند، برای ورود به جهان درون متن باید از این آستانه‌ها (نیات و مقاصد مؤلف) عبور کرد (پیرانی، ۱۳۹۷: ۱۵۸). از این‌رو این آستانه‌ها می‌توانند بعضی اطلاعات اضافی را در اختیار خواننده بگذارند. در کتاب همایش پرندگان هم پیرامتن‌های درونی و هم برونی وجود دارد.

الف) پیرامتن درونی

پیرامتن درونی یا پیوسته به‌عنوان کانون اصلی با متن مرتبط است. در کتاب مذکور عنوان اصلی یعنی همایش پرندگان خود سرنخ احتمال ارتباط آن با منطق الطیر را به مخاطب و مشخصاً مخاطب ایرانی می‌دهد. در نسخه انگلیسی و اصلی آن روی جلد کتاب جملاتی برای آماده‌سازی ذهن خواننده ارائه شده است: «همایش پرندگان، منظومه حماسی فریدالدین عطار، شاعر پارسی قرن دوازدهم، اکنون توسط پیترو سیس در یک کتاب زیبای مصور اقتباس شده است» (سیس، ۱۳۹۵). منطق الطیر به عنوان یک اثر حماسی کلاسیک در رسانه‌های خارج از ایران مطرح شده است و حتی به اثرپذیری سیس از بُعد حماسی منطق الطیر از روی نسخه‌های اقتباسی که پیش رویش بوده،

اشاره دارد. با توجه به اینکه مخاطب این اثر در رسانه‌های خارجی اغلب بزرگسال معرفی شده، مترجم در یکی از صفحه‌های آغازین با افزودن این پیرامتن: «پیتتر سیس حق انتشار این اثر را برای کمک به ترویج برنامه «با من بخوان» در مناطق محروم ایران و در یک چاپ به مؤسسه پژوهشی تاریخ ادبیات کودکان واگذار کرده است. با سپاس فراوان از ایشان و ناشر اصلی اثر^۷ (همان)، به خواننده آگاهی می‌دهد که کتاب برای کودکان نوشته شده است.

در بخش داخلی جلد کتاب یعنی آستر بدرقه اول و آخر، مطالبی درباره پیتتر سیس، محتوای کتاب و زندگینامه او و همچنین در بخش‌های پایانی کتاب، صفحه سپاس و معرفی عطار گنجانده شده است که پیرامتن داخلی محسوب می‌شود. در این پیرامتن‌ها به عطار و منطق الطیر او مستقیماً اشاره شده است. سیس حتی در خط و نوشتار متن روش و خلاقیت خاص خود را به کار برده تا شوق پرواز را همچون توصیفات زیبای منطق الطیر برای مخاطب حفظ کند. مؤلف در «سپاس‌نامه» از عطار قدردانی و او را به هدیه تشبیه می‌کند: «تا آنجا که ذهن یاری می‌کند، از سال‌های دور همواره عاشق به تصویر کشاندن پرواز- آزادی و پرندگان بوده‌ام. عاشق تصویرگری همه گونه‌های پرندگان؛ پرندگان با چهره‌ای انسانی، مرغان ماهی‌خوار، پرندگان شکاری و... داستان سیمرخ که در کتاب «موجودات خیالی» خورخه لوئیس بورخس تصویرگری کرده‌ام، برای من یک منبع الهام بود. آن کتاب مرا یک‌راست به سوی اصل کتاب منطق الطیر عطار کشاند و عطار- پرنده هدیه من- به نوبه خود مرا در گذر از هفت وادی رهنمون بود...»^۸ (همان). این چنین در ارتباط پیرامنتی، مؤلف از کسانی که در هر بخش به او یاری رسانده‌اند تا منطق الطیر عطار را به شکلی تازه بیافریند، تشکر کرده و نشان داده است که منطق الطیر چگونه در فرایند تغییر و تحولات و مطالعه در ذهن او به این شکل درآمده است.

ب) پیرامتن برونی

با وجود اینکه پیرامتن درونی تلاش مؤلف و ناشر برای هماهنگی و جذب خواننده به اثر است، پیرامتن برونی به صورت ناپیوسته و منفصل از متن امکان نقد و ارزیابی یا تبلیغ اثر را فراهم می‌کند (نامور مطلق، ۱۳۸۶: ۱۳۳). اطلاعاتی که ناشر و مؤلف همایش پرندگان به درون اثر منتقل کرده‌اند، ارتباط پیرامنتی آن را با منطق الطیر استحکام می‌بخشد. با این حال تبلیغات یا ارزیابی‌هایی هم که برای آن تدارک داده شده و می‌شود، به این ارتباطات پیرامنتی می‌افزاید. در سایت‌ها و بعضی رسانه‌ها نام عطار و منطق الطیر او در پیرامتن‌های انگلیسی نیز با همایش پرندگان پیوند می‌خورد زیرا روی جلد کتاب و صفحات آغازین و پایانی آن به این موضوع اشاره شده است. لابه‌لای

اطلاعات فارسی نیز این موضوع تأیید و بر آن تأکید می‌گردد. از جمله در سایت مؤسسه پژوهشی تاریخ ادبیات کودکان که نشر این کتاب به آن واگذار شده و همچنین در سایت کتابک که به کتاب‌های کودکان و نوجوانان اختصاص دارد، همایش پرندگان، بازنویسی منطق الطیر عطار نیشابوری یکی از برجسته‌ترین آثار منظوم عرفانی سده دوازدهم ایران و شاهکار ادبیات فارسی و... معرفی شده و کتاب همایش پرندگان با ترجمه زهره قاینی یکی از نامزدهای ششمین دوره اهدای نشان طلایی و نقره‌ای لاک‌پشت پرنده بوده است (کفاش‌زاده، ۱۳۹۸). بعد از ترجمه و انتشار کتاب در سال ۱۳۹۵، گه‌گاهی پیرامتن‌های برونی آن به‌روز می‌گردد. اطلاعاتی بر پیش‌گفته‌ها می‌افزایند و با تطبیق همایش پرندگان و منطق الطیر، این دو کتاب و این دو آفریننده را مورد توجه قرار می‌دهند؛ «گویی این ارتباط روحی بین دو نویسنده از اعصار و جغرافیایی متفاوت از یک جا ریشه می‌گیرد. آن‌ها هر دو زاده عصر و محیط پیرامون خویش و پرورده اوضاع حاکم بر زمانه بودند. بسته بودن فضای اجتماعی و میل به رهایی برای هر دو نویسنده انگیزه‌هایی هستند برای خلق آثارشان» (همان). با وجود این، تاکنون پژوهش‌های علمی و اصولی درباره این کتاب صورت نگرفته است. پیرامتن برونی این اثر در ارتباط با منطق الطیر عطار کمتر مورد توجه و دقت علمی قرار گرفته و پژوهشگران ایرانی کمتر از محققان خارجی در این زمینه پویا بوده‌اند. خود سیس نیز پیرامتن دیگری بر این اثر مطرح نکرده است. ژنت معتقد است: «کارکرد اساسی خودزندگی‌نگارانه یا دیگرزندگی‌نگارانه تشویق خواننده به خواندن متن و آموختن نحوه درست خواندن متن به اوست» (آلن، ۱۳۸۵: ۱۵۴) که این سخن خود خوانش و دریافت خواننده را محدود و مجال انتقاد را فراهم می‌کند؛ چراکه می‌توان خوانش‌های خواننده‌مدار و نگاه فرمالیستی را در موضع‌گیری نسبی از آن دید. ژنت می‌افزاید که یکتا جنبه پیرامتنیت، بر ساخت شرایط و فضایی است برای متن که با مقصود مؤلف همسویی دارد و حفظ دیدگاه مؤلف و ناشر، ایدئولوژی خودجوش پیرامتن است (همان: ۱۵۵). به نظر می‌رسد انتقاد به ایدئولوژی برساخته از تلاش مؤلف و ناشر در ایجاد فضای متناسب با اهدافشان، از آن جایی آغاز می‌شود که انتقاد به عدم آزادی خواننده در خوانش مستقل، یعنی خوانش عاری از پیش‌فرض یا پیش‌زمینه ذهنی و تحمیل نیات و انگیزه‌ها سر بر آورد و آزادی خوانش و نقش خواننده نسبت به اثر، زیر سایه ایدئولوژی مؤلف و ناشر کم‌رنگ گردد.

۲-۴ ارتباط فرامتنی همایش پرندگان با منطق الطیر

از آنجایی که این ارتباط به تفسیر، نقد، انکار یا تأیید متن دوم نسبت به متن اول مربوط می‌شود، در کتاب همایش پرندگان که خود اقتباس‌گونه‌ای از منطق الطیر است، نمی‌توان آثار تأیید فضای

منطق الطیر را در کلیت اثر جدید نادیده گرفت. انتقال فضای منطق الطیر که عرفانی - تعلیمی است، در همایش پرندگان به نظام یا فضای اخلاقی - تعلیمی با سایه روشن عرفان تقلیل می یابد؛ گونه ای شرح و تأیید که نویسنده با در نظر گرفتن مخاطب و مقتضای حال او آن اثر بزرگ کلاسیک را نوآفرینی کرده است. بنابراین روابط فرامنتی همایش پرندگان با منطق الطیر بر داستان اصلی و پیرنگ کلان آن یعنی جمع شدن پرندگان، سفر آن ها و مواجهه با سیمرخ شکل می گیرد که به دو بُعد نظام عرفانی و نظام اخلاقی - تعلیمی انشعاب می یابد. در بخش عرفانی هفت وادی یا هفت شهر منطق الطیر بازآفرینی شده که از میانه داستان به بعد پررنگ تر است. بخش تعلیمی - اخلاقی نیز غالباً شروع داستان تا میانه آن و دریافت نهایی را شامل می شود.

گفتگوی تاریخی - تطبیقی رساله الطیرها نشان می دهد که در روح جمعی و اجتماعی نفوذ کرده اند. در یکی از واکاوی های تطبیقی، پورنامداریان با بررسی نطق و ویژگی های پرندگان در رساله الطیرها اذعان می دارد که «سیمرخ در داستان منطق الطیر در واقع همان فرشته جمعی نوع انسان یا از نظر گاه های مختلف، عقل اول، جبرئیل، عقل فعال یا نور محمدی است. در اینجا چون یک مرغ نیست که با نفس خویش دیدار می کند، فرشته شخصی نیز بدل به فرشته جمعی یا عقل فعال - که فائض نفوس آدمیان است - می شود» (پورنامداریان، ۱۳۶۸: ۱۷۲ و ۱۷۳). این سخن این نکته را یادآور می شود که «رؤیا اسطوره ای شخصی است و اسطوره رؤیایی تهی از فردیت» (کمپبل، ۱۳۸۵: ۳۰). به این ترتیب می توان به مباحث کهن الگویی و از جمله روح یا ناخودآگاه جمعی راه برد.

۱-۲-۴ ماهیت فرامنتی «خویشتن» در همایش پرندگان و منطق الطیر

«خود» در منطق الطیر که به صورت پیوند جان سالک با صور الهی است، در روان شناسی یونگ «به صورت ارتباط و پیوند کهن الگوی خویشتن و کهن الگوی خدا دیده می شود» (گلی زاده و گبانچی، ۱۳۹۸: ۱۱۶). این خویشتنی که یونگ مطرح می کند، کامل ترین کهن الگو در شکل گیری محتویات ناهشیار و ناخودآگاه جمعی، الگوی تمامیت و یکپارچگی، و وجود برتر از منظر گردآوردن تضادهاست (همان: ۱۰۹). هم از این رو عطار در پایان نشان می دهد که درون آدمی جمع اضداد است و فنا شدن و بقای به حق به معنی حذف این اضداد نیست؛ یعنی عطار به یاری سیمرخ در منطق الطیر و یونگ به کمک کهن الگوی خویشتن در جست و جوی تمامیت و کل یکپارچه اند و کل یکپارچه از نظر آن ها پارادوکس بنیاد است، زیرا از نیروهای متضاد هستی مثل نیروی نیک و بد، جزء و کل، ماده و مینو و... شکل یافته است. در واقع اصل وحدت اضداد یا به -

تعبیری مقام وحدت، ناظر به یکپارچگی دو جنبه وجود یعنی جسم و روان است (سی مرغ یا خود آگاه + سیمرغ یا ناخود آگاه). نتیجه این وحدت فناست؛ فنا و بقا (غلامپور آهنگر کلایی و همکاران، ۱۳۹۸ الف: ۱۹۳). به عبارت دیگر، «خود» حاصل وحدت سی مرغ (خود سایه‌ای) و سیمرغ (خود مثالی) است (همان، ۱۳۹۸ ب: ۱۶۵). گذشتن از «من» و رسیدن به «خویشتن» در رساله الطیرها دست‌مایه کهن‌الگویی در سطح جهان نیز شده است؛ «در کنفرانس پرندگان استرالیا، نجات به معنای خوشحالی، در تشخیص این واقعیت است که خدا در درون شما زندگی می‌کند و جریان دارد» (Aveling, 2017: 87). در این نمونه استرالیایی همچنین به ارتباط آن با نمونه فارسی اشاره می‌شود: «سیمرغ پرنده اسطوره‌ای ایرانی است که از زمان زرتشت در ادبیات فارسی وجود داشته است. او نماینده الهی است؛ چه در درون و چه فراتر از نظم ایجادشده، و مرگ و تولد دوباره. او البته خداست و جست‌وجوی سیمرغ جست‌وجوی الهی است» (همان: ۸۱). در نهایت سی مرغ باقیمانده را با سیمرغ یک معنا می‌داند؛ حقیقتی تکان‌دهنده که از ابتدای راه، سیمرغ در درون پرندگان شکل می‌گیرد و به وحدت معنایی می‌رسد.

سیر و تحول «خود» در همایش پرندگان نسبت به منطق الطیر رنگ عرفانی کمتری دارد و بیشتر نمود کهن‌الگویی و جمعی پیدا می‌کند. برای مثال این وحدت که فنا را نشانه می‌گیرد، در همایش پرندگان خیلی چشمگیر نیست و بیشتر بر بقا تکیه شده است. وقتی پرندگان پس از گذر از مشقت‌ها به کوه قاف راه می‌یابند، در آب تصویر خود را یکپارچه می‌بینند و وحدتشان در هیئت یک پرنده سیمرغ در آب انعکاس می‌یابد. برای مخاطب کودک و نوجوان بُعد حماسی یا کهن‌الگویی - اسطوره‌ای که قهرمانانه و همدلانه سفر را به نتیجه برسانند، پررنگ‌تر می‌نماید. همان‌طور که سیس خود می‌نویسد: «سرانجام، سی مرغ، یگانه و همدل در این جست‌وجو به پادشاه خویش رسیدند و آن‌ها دریافتند که خود، سیمرغ پادشاه هستند...» (سیس، ۱۳۹۵). از طرفی رمزگان مربوط به کارکرد نمادین و رمزی در همایش پرندگان کم‌رنگ است. هم از این‌روست که بُعد عرفانی وحدت وجود در آن بیشتر به وحدت موجود و بقا تلقی می‌شود. همان‌طور که در مجمع پرندگان کریر شاهدیم، نشانه‌های تأثیرپذیری از چنین پیشی را در سیس هم می‌توان دید: رسیدن به وحدت به معنای پیوستن به وحدت موجود در جهان و جزئی از آن شدن است. سیر تکاملی رسیدن از کثرت به وحدت، معنایی ناسوتی می‌یابد و به پیوستن به خالق جهان و فنا منتهی نمی‌شود (دادور و همکاران، ۱۳۹۷: ۳۶۷). از طرفی سیس در سپاس‌نامه به این موضوع اشاره می‌کند که در بعضی بخش‌های مربوط به وادی‌ها از نمایش‌نامه کریر ارتباط گرفته است. وحدت اضداد به بُعد بیرونی ارجاع می‌یابد و به موجوداتی که با هم تضادهایی دارند و در نهایت با اصلاح

هر موجود و همدلی با دیگری و تلاش کردن به یک سیمرخ بدل می‌شوند و یکی می‌شوند. در واقع تلقی از وحدت وجود در هر اثر براساس دریافت خواننده می‌تواند متفاوت باشد؛ رمزگان وحدت وجود در منطق الطیر راه به سوی درون و باطن دارد و بسا که فردی است. درحالی‌که ساختار وحدت وجود در همایش پرندگان بیشتر از نوع بیرونی و جمعی است. یکی از علل آن این است که سیس در هیچ کجا واژه خدا را به کار نمی‌برد. همان‌طور که کریر اذعان کرده که این واژه را در نمایش خود به کار نبرده و تنها نقطه عدم وفاداری او به عطار همین بوده است (همان: ۳۶۵). به عبارت دیگر، به نظر می‌رسد هدف همدل که ابتدا ایجاد مسئله جمعی و جست‌وجو برای رسیدن به سیمرخ و کاوش جمعی و در مرحله بعد تبیین وضعیت فردی هر کس از جانب خود (تفکر برای خود) و سوق دادن تک‌تک مرغان و در نهایت جمعی از مرغان به هدف است (غفوری و همکاران، ۱۳۹۵: ۱۶۹)، در همایش پرندگان در سطح هدف جمعی باقی مانده و مرحله بعد، یعنی درونی‌سازی حقیقت عرفانی وحدت وجود مغفول گذاشته شده است که می‌تواند به اقتضای مخاطب نوجوان و انتزاعات او نیز باشد. بنابراین گونه‌ای دریافت باز در این مورد در داستان رقم خورده است. همان‌طور که تلاش ژنت از وضع کردن ترامنتیت پیشنهاد بوطیقایی از نوع ساختارگرایی باز بود؛ بوطیقایی که به مطالعه مناسباتی گاه سیال و نا ثابت پردازد (آلن، ۱۳۸۵: ۱۴۶) و اگر طبق گفته جاناناتان کالر بوطیقا را یک نظریه خوانش تلقی کنیم (همان: ۱۴۲)، در این اثر نیز هر کس به اقتضای ذهنیت خود می‌تواند برداشتی داشته باشد؛ اینکه مخاطب بقا را تلاش جمعی و یکدلی و وحدت جمعی برای رسیدن به هدف دریافت کند یا فنا را تلاش برای وحدت و تمامیت فردیت درون خود دریابد.

۳-۴ ارتباط پیش‌متنی همایش پرندگان با منطق الطیر

این رابطه ممکن است با بینامتنیت و فرامتنیت اشتباه گرفته شود، درحالی‌که با آن دو متفاوت است. پیش‌متنیت مانند بینامتنیت از پیوند دو متن ادبی سخن می‌گوید و براساس برگرفتنی و اثرپذیری یک متن از متن دیگر شکل می‌گیرد. از طرفی رابطه‌ای است از نوع غیرتفسیری که با تغییر و دگرگونی و یا تقلید پیش‌متن در پیش‌متن موجب پیوند دو متن می‌شود (زمانی، ۱۳۹۷: ۸۶ و نامورمطلق، ۱۳۸۶: ۹۴ و ۹۵). همایش پرندگان - که در بعضی رسانه‌ها بازنویسی و در بعضی دیگر بازآفرینی از منطق الطیر معرفی شده - به گونه‌ای می‌تواند هم تقلیدی از پیش‌متن به حساب آید و هم تغییر در کمیت و اندکی دگرگونی در محتوای آن در نظر گرفته شود. از منظر تقلید می‌توان پیرنگ و ساختار اثر را پیش‌متن تقلیدی از پیرنگ اصلی و سبک منطق الطیر عطار دانست. این

پیرنگ همان گونه که کلان پیرنگ منطق الطیر را شکل می دهد، برای مخاطب کودک و نوجوان بازنویسی شده است. بنابراین می توان اتخاذ تعبیر بازنویسی را از سوی بعضی از خوانندگان برای این کتاب از این منظر دانست. حتی در اقتاع پرندگان از سوی هدهد نیز همان سبک اقتاعی پی گرفته شده و ساختار کلی سفر رسالة الطیرها را در آن هم می توان دید.

از منظر تغییر، یکی از نشانه های بیش متنی کمی، کاهش حجم بیش متن نسبت به پیش متن اصلی است اما یکی از نکات حائز اهمیت شاهکار سیس در تصویرسازی است، به گونه ای که بخش زیادی از معانی و برانگیختگی تخیل مخاطب از تصاویر کتاب نشأت می گیرد. خیال انگیزی و التذاذ تصاویر با وجود متن روان و ساده، همچون اندیشه پس متن از معانی عمیقی برخوردار است و این کاهش حجم متن در تصویر جبران می شود. درنگ و تأملی که باید صرف خوانش متن شود، برای تدبر در تصاویر تخیلی صرف می شود. خلق این تصاویر و کاهش متن گونه ای عدول را از سبک منطق الطیر نشان می دهد که حضور مؤلف را با سبک خود برجسته و متفاوت می کند. تراگونگی محتوایی از منظر ژنت با درنظر گرفتن طرح و پیرنگ، درون مایه و نحوه ارائه آن، زاویه دید، شخصیت پردازی، گفتگو، زمان، فضا سازی و لحن، که اغلب از جنس عناصر داستان اند، قابل استناد است. با بررسی از این منظر می توان دلیل انتساب تلقی باز آفرینی به کتاب همایش پرندگان از سوی برخی خوانندگان را تبیین کرد. طبق بررسی طرح منطق الطیر از منظر الگوی ساختار گرای گریماس، فاعل: هدهد و مرغان، فرستنده: انگیزه رسیدن به معنویات، گیرنده: مرغان، نیروی یاری دهنده: سخنان هدهد، بازدارنده: دشواری ها و تعلقات هر شخص، شیء یا هدف با ارزش: سیمرخ بوده است (محمدی فشارکی و خدادادی، ۱۳۹۲: ۱۹۶) که طی تطبیق با همایش پرندگان با وجود اشتراک، دارای تغییراتی از جمله تغییر نیروی فرستنده یعنی «انگیزه سفر» است؛ انگیزه سفر در منطق الطیر، معنوی دریافت می گردد اما در همایش پرندگان از نوع اسطوره ای و حتی مادی و این جهانی به نظر می رسد؛ واقعی و قابل دسترس که برای سلطنت زمینی شایسته است. در این اثر نوعی گشتار کمی از نوع جایگزینی و تغییر نسبی انگیزه ای صورت گرفته که ژنت آن را یکی از این انواع می داند.

تغییر دیگر، شروع داستان بدون مقدمه چینی است. در صورتی که در منطق الطیر آماده سازی ذهنی خواننده اتفاق می افتد. اگر چهار بخش اصلی پیرنگ: مقدمه چینی یا تعادل اولیه، گره افکنی، کشمکش و گره گشایی مد نظر باشد، داستان همایش پرندگان از مرحله دوم یعنی با گره افکنی آغاز می شود: مخاطب با استحاله ناگهانی شخصیت انسانی، آن هم عطار، در هیئت هدهد مواجه می شود که برای نشان دادن گره داستان به دیگر پرندگان لب به سخن می گشاید. کشمکش های

پرندگان در همایش پرندگان همچون منطق الطير است که عذر می آورند و هدهد آن‌ها را به پیش می برد. نکته متفاوت اینجاست که با رسیدن به کوه قاف، در ابتدا به نظر می رسد گره گشایی رخ می دهد اما مخاطب با پس زدن قاف و سپس عذرخواهی هدهد غافلگیر می شود. در اینجا نویسنده گره را به سرعت می گشاید و گونه ای حس دو گانه را که برای مخاطب رقم خورده، برطرف می کند؛ یعنی مخاطب هم از طرد کوه، هم از عذرخواهی هدهد و هم از دعوت کوه دچار چندین غافلگیری می گردد که از نظر زمانی، وجود گونه ای سرعت در روایت آن‌ها موجب چندگانگی حسی در گره گشایی می شود. در نهایت با ورود به پس پرده‌ها آن‌ها در یک هیئت به پرواز درمی آیند. زاویه دید در هر دو اثر سوم شخص است. شخصیت های همایش پرندگان همان شخصیت های منطق الطيرند اما در گفتگوها و پرسش و پاسخها تنوع کمتری از تعداد آن‌ها به چشم می خورد. از منظر زمان و مکان نیز نوعی سفر در بی زمانی و بی مکانی رخ می دهد؛ مکان در همایش پرندگان، بیابان و آسمان و وادی‌ها و در نهایت کوه قاف، به همان صورتی که در منطق الطير بوده است، بازتاب داده می شود. گفتگوها و پرسش و پاسخها نیز در همایش پرندگان به سان منطق الطير پابرجاست و هدهد پاسخگوی پرسشها و ابهامهای پرندگان بوده و متکلم وحده و رهبر تک گو نیست. نکته حائز اهمیت لحن هدهد در این دو اثر است؛ لحن هدهد در منطق الطير به تناسب مخاطب و عذر و سؤالی که پیش می کشد، به مقتضای حال مخاطب آن بر می گردد؛ هدهد در تمامی گفتگوهایی که با پرندگان ترتیب می دهد، حالت تدافعی و مخالف به خود نمی گیرد و درصدد اقناع گفتاری مخاطب به همراه ترغیب او برای پیشروی است (غفوری و همکاران، ۱۳۹۵: ۱۶۹)؛ طوری که در همایش پرندگان نیز کمی با چاشنی محبت و صمیمیت بازتاب یافته است.

یکی از ابعاد اصلی مربوط به درون مایه که متأثر از منطق الطير در همایش پرندگان پرننگ شده، تعلیم و تربیت است. با توجه به تغییر قالب اثر از مثنوی منظوم به اثری منثور و داستانی، همایش پرندگان با ابتکار در تصویرگری، زبان تصاویر را در ترکیب با متن ساده و روان که نزدیک به زبان خواننده است، هنری و زیبایی آفرین به کار برده و بخشی از پروردن را به تصاویر محول کرده است. به عبارت دیگر در همایش پرندگان «تصاویر مفاهیم پیچیده و انتزاعی داستان را به شکلی عینی به بیننده عرضه می کنند و اطلاعات دیداری جاذبه بیشتر و حس کردن حال و هوا و فضای عرفانی داستان را برای مخاطب در پی دارد. تصاویر در بیشتر صفحات این کتاب مکمل متن اند. شکاف های متن به وسیله تصویر و شکاف تصویر به وسیله متن پر می شود، اما گاه با تصاویری گسترش دهنده روبه رو می شویم که در آن‌ها تصویر چیزی اضافه بر متن می گوید...»

(آرامش فرد، ۱۳۹۴: ۱۲۴). البته می‌توان افزود که متن با برانگیختن تفکر، مخاطب را به سمت تصاویر می‌کشاند و در پی آن تخیل خواننده نیز برانگیخته می‌شود و این دو با هم غلیان می‌یابند. از دیگر موارد بیش‌متنیتِ تغییر یافته می‌توان به منطق انتخاب هدهد به‌عنوان راهنما اشاره کرد که علت آن را دنیادیدگی این پرنده دانسته و همچنین آب را جایگزین آینه کرده است.

۴-۴ ارتباط سرمتمی همایش پرندگان با منطق الطیر

با اینکه ژنت معتقد است سرمتمیت به انتظارات ژانری و مضمونی «خواننده» و دریافت او از یک اثر مربوط می‌شود که برخی آثار رابطه سرمتمی با برخی ژانرها یا خرده‌ژانرها یا قراردادها را با نشانه‌هایی در عنوان یا متن مشخص می‌کنند و برخی آن را کتمان می‌کنند، اما ارجاع و توجه او به متن و مؤلف در توضیحات و مثال‌ها پررنگ‌تر است. نگاه او رو به سوی خواننده دارد اما به گونه‌ای انگشت روی متن، مؤلف و تولید متن می‌گذارد. مثلاً توضیح می‌دهد انتظار ما این است که اشعار عاشقانه به زبان اول شخص باشد و به مخاطب خاصی خطاب شود. سرشت سرمتمی متون شامل انتظارات ژانری، وجهی و... خواننده از متون می‌شود (آلن، ۱۳۸۵: ۱۵۰-۱۵۱). او کدام خواننده را مد نظر دارد؟ خواننده مستتر مورد تأیید مؤلف مطرح است یا خواننده واقعی که اثر را می‌خواند؟ او از انتظار خواننده برای سرشت سرمتمی برهان می‌آورد اما به نظر می‌رسد نگاهش بیشتر متمایل به خواننده آرمانی است که از اثر، انتظارات ژانری‌ای دارد که آن را مؤلف مشخص یا غالب می‌کند. بنابراین تفویض ماهیت و تعریف سرمتمیت به انتظار خواننده یا مؤلف و واکاوی خواننده مد نظر ژنت قابل تأمل خواهد بود.

از دو منظر می‌توان به ژانر منطق الطیر و همایش پرندگان نگریست: یکی ژانر حماسه عرفانی و دیگری خرده‌ژانر رساله الطیر منشعب از ژانر تعلیمی بنابر زعم بعضی از پژوهشگران. با وجود اینکه برخی معتقدند «در هیچ یک از فرهنگ‌های اصطلاحات ادبی، رساله الطیر و منطق الطیر به‌عنوان نوع یا اصطلاحی ادبی تعریف نشده است» (صمدی، ۱۳۹۰: ۱۱)، برخی با پژوهش و تفحص اذعان می‌دارند: «به نظر می‌رسد رساله الطیرها ژانر و نوعی به‌خصوص در ادبیات فارسی محسوب می‌شوند، کارکردهایی دارند و در متونی که به انواع ادبی می‌پردازد، اغلب به‌عنوان ژانری تعلیمی مورد بحث و پژوهش قرار می‌گیرند» (شفیعی، ۱۳۹۷: ۲). از این رو بنابر اینکه رساله الطیرها در تاریخ ادبیات فارسی زیرشاخه‌ای از نوع تعلیمی و حکمی محسوب می‌شوند، با تکیه بر سابقه دیرینه پرداخت به این گونه ادبی، در این پژوهش به‌عنوان یک ژانر خاص مد نظر واقع می‌گردد. آنچه از ژانر یا خرده‌ژانر رساله الطیر به همایش پرندگان منتقل شده، از طریق

پی‌رفت‌های مشابه مورد بررسی در دیگر رساله‌الطیرهای حوزه ادبیات بزرگسال قابل تطبیق است. برای نمونه، شفيعی (همان: ۲۹۸) در رساله خود رساله‌الطیرها را به صورت تطبیقی مورد بررسی قرار داده و هفده پی‌رفت مشابه را با رویکرد در زمانی استخراج کرده که از میان آن‌ها، منطق‌الطیر شامل همان مواردی است که کلان‌پیرنگ آن را شکل می‌دهد. تلاش این رساله در الگویابی برای این آثار یادآور روشی است که کمپیل برای سفر قهرمان خود پیشنهاد داده است. با این الگو می‌توان تبعیت سرمتني همایش پرندگان از منطق‌الطیر را با ساختاری مشخص مورد مذاقه قرار داد؛ مواجهه‌ای که در عین اعتباربخشی به ژانر رساله‌الطیر از طرفی، به بُعد حماسی - عرفانی تحت عنوان ژانر حماسه عرفانی از طرف دیگر تعین بخشد.

کمپیل اذعان می‌دارد که سفر اسطوره‌ای قهرمان شامل جدایی، تشریف و بازگشت است؛ یک قهرمان از زندگی روزمره دست می‌کشد و سفری مخاطره‌آمیز به حیطة شگفتی‌های ماوراءالطبیعه را آغاز می‌کند، با نیروهای شگفت در آن جا روبه‌رو می‌شود، به پیروزی قطعی می‌رسد و به هنگام بازگشت از این سفر با نیروی کسب‌شده به یارانش برکت و فضل نازل می‌کند (کمپیل، ۱۳۸۵: ۴۵). در همایش پرندگان شاهد مرحله جدایی و عزیمت با دعوت و فراخواندن پرندگان از سوی هدهد هستیم. هدهد پرندگان را مشتاق سفر می‌کند. با پذیرش سفر و آغاز راه، مهالك و مخاطرات نیز هجوم می‌آورند. پرندگان با دشمن درونی خود که نیروی منفی و منصرف‌کننده است روبه‌رو می‌شوند؛ با راهنمایی هدهد دست از تعلقات و خواسته‌های پست و کوچک می‌کشند و در نهایت با تحمل مشقت‌ها و سپری کردن آزمون‌های سی‌مرغ از میان هزاران پرنده به کوه قاف می‌رسند. پس از انتظار برای مقبول افتادن تشریفشان، با دریافت حقیقت سیمرغ به خویشتن برمی‌گردند. این بازگشت به خویشتن از نوع فنای «انانیت» و بقای وحدت جمعی است. به عبارت دیگر، قهرمان این انانیت را فنا می‌کند و خود حقیقی را درمی‌یابد تا آن را در خدمت به دیگران به کار بندد، نه برای سعادت شخصی؛ «این دو یعنی قهرمان و خدای غایبی‌اش، جستجوگر و هدف، درون و برون یک راز واحد می‌شوند که در مقابل آینه قرار دارد و در واقع همان راز جهان ظاهر هم هست. عمل بزرگ قهرمان رسیدن به معرفت وحدت در عین کثرت و معرفی آن به دیگران است» (همان: ۴۸). بنابراین قهرمانان حماسی و عرفانی در نهایت برای «دیگری» آماده می‌شوند، هر دو با گذر از سختی‌ها که درون‌مایه غالب ادبیات حماسی و عرفانی همین «سیر و سفر» است (همت جو، ۱۳۹۱: ۳)، به این نتیجه می‌رسند که «این نیروهای الهی که قهرمان به جستجویشان برخاسته... تمام این مدت در قلب خود قهرمان وجود داشته‌اند» (کمپیل، ۱۳۸۵: ۴۷).

نکته قابل تأمل دیگر درنگ و وقفه‌ای است که برای قهرمان در نظر گرفته شده است؛ یکی زمانی که پرندگان با طرد غیرمنتظره کوه قاف غافلگیر می‌شوند: «کوه قاف! ما در جست‌وجوی

پادشاهمان سیمرغ‌یم. کوه: به آشیانه بازگردید. شما چیزی جز خس و خاشاک نیستید. پرنده‌گان: رحم کن! هدهد: مرا ببخشید دوستان. من در خیال و پنداری واهی بودم. کوه: هنوز آنجا هستید؟ بیایید!» (سیس، ۱۳۹۵). در این فاصله - که کوه قاف آن‌ها را طرد می‌کند - به یک‌باره تماماً فرومی‌ریزند و در ناباوری درمی‌مانند. حتی هدهد نیز درمی‌ماند و عذرخواهی می‌کند. بعد از آن درنگ، قاف ندا می‌دهد که بیایید. در *منطق‌الطیر* این انتظار برای شرفیابی و پذیرش از طرف بارگاه و در نهایت سیمرغ، طولانی‌تر بیان شده است:

چون همه در عشق او مرد آمدند
پای تا سر غرقه درد آمدند...
حاجب لطف آمد و در بر گشاد
هر نفس صد پرده دیگر گشاد...

(عطار، ۱۳۸۸: ۲۵۵-۲۵۷)

بر اساس الگوی کمپیل از این انتظار می‌توان به این نتیجه رسید که پس از گذار از مهالک و گذراندن آیین تشریف که شامل مناسک سخت و دشوار برای آماده‌سازی قهرمان یا مسافران راه است، «وقفه‌ای کمابیش طولانی وجود دارد که طی آن فرد گوشه‌گیری می‌کند. این گوشه‌گیری فرصتی برای اثرگذاریِ مراسمی است که باید این مسافر راه‌زندگی را با ظواهر و احساسات مناسب با وضعیت جدیدی آشنا کند و به این ترتیب هنگامی که برای بازگشت به زندگی عادی مناسب باشد، فرد تشریف یافته گویی دوباره متولد شده است، پای به زندگی می‌گذارد» (کمپیل، ۱۳۸۵: ۲۲). البته این درنگ پس از اتمام داستانِ سیس هم به سراغ خواننده می‌آید. از همین روی می‌توان پذیرفت که هر دو اثر از وجوه ژانر حماسه عرفانی برخوردارند.

۱-۴-۴ ماهیت سرمتنی سیمرغ در همایش پرنده‌گان و منطق‌الطیر

در آثار عرفانی و ویژگی‌های اسطوره سیمرغ حکایت از وحدت و یگانگی دارد، چراکه اغلب برای بیان مفاهیم مثبت و متعالی به صورت نمادین به کار می‌رود (دهقان و محمدی، ۱۳۹۱: ۵۷). سیمرغ عرفانی با سیمرغ حماسی طبق پژوهش‌های موجود تفاوت‌هایی دارد. نه تنها سیمرغ در همایش پرنده‌گان بیشتر حماسه‌گونه است و در پایان اندکی به وحدت معنایی عرفانی می‌رسد، بلکه جنس وحدت و یگانگی در *منطق‌الطیر* فانی‌فی‌الله و بقای بالله است اما در همایش پرنده‌گان از نوع خویش‌شناسی. در *منطق‌الطیر* لازمه خداشناسی خودشناسی دانسته شده و ساختار ابیات به این سو انتظام می‌یابد، در صورتی که در همایش پرنده‌گان خودشناسی می‌تواند مقدمه‌ای برای قهرمان و مسافر آن باشد تا بعد از بازگشت، به اهداف متعالی از جمله خداشناسی مشغول شود. نشانه‌های این را می‌توان از اشاره سیس به جایگاه سیمرغ که پشت پرده‌های قلب هر پرنده است، دریافت. این

بخش مخاطب را به قلب خود ارجاع می‌دهد که خود را بشناسد. البته امکان برداشت خداشناسانه بسته نیست و باتوجه به دریافت مخاطب و خوانش و پیش‌زمینه‌های ذهنی او محتمل است.

تصویرسازی از سیمرخ در همایش پرندگان بیشتر متکی بر واقعی بودن او باتوجه به این منطق صورت گرفته که پر او در سرزمین چین افتاده است و آگاهی دیگری از سیمرخ که منوط به بُعد عرفانی یا اسطوره‌ای آن باشد، مطرح نمی‌شود. همان‌طور که سیمرخ کریر شخصیتی مادی و زمینی داشته و عاری از بُعد آسمانی بوده، سیمرخ سیس هم به همین شکل است. چیزی که بُعد حماسی سیمرخ را برجسته می‌کند، تفاوت مفهوم کمال و وحدت از منظر آفرینشگران است. سیمرخ کریر هر چند نمادی از انسان کامل است، آینه‌ای از وجود خداوند نیست، بلکه او را به سوی زمین و وجود خویش بازمی‌گرداند» (دادور و همکاران، ۱۳۹۷: ۳۶۶). حتی جایگزین کردن آب به جای آینه، پرواز پرندگان در آسمان و نگاه آن‌ها به آب برای تماشای یگانگی خود از سوی نویسنده، نگاه خواننده را از آسمان به زمین و پایین تصویر کتاب می‌کشاند. شاید به همین دلیل است که سیمرخ تنها در ابتدا به عنوان پادشاه معرفی می‌شود و در پایان هم حرفی درباره‌اش زده نمی‌شود. در صورتی که در منطق الطیر این ابعاد بسیار پرورده شده است. بنابراین به سان سیمرخ کریر، سیمرخ سیس نیز نماد آگاهی از خود است که می‌تواند ما را به وحدت جهان برساند (Dadvar & etc, 2019: 15-16). حتی راهنما شدن هدهد در همایش پرندگان به علت دنیادیده بودن و آگاهی از واقعی بودن سیمرخ پذیرفته می‌شود، در صورتی که در منطق الطیر ابعاد عرفانی و امتیازات آن برجسته و مخاطب از انتخاب او به عنوان رهبر توجیه می‌شود. این‌ها نشان از تفاوت عرفان ناسوتی و عرفان لاهوتی دو آفرینشگر دارد که تفاوت مفهوم سیمرخ را رقم زده است. درست است که ژانر حماسی به همایش پرندگان تسری داده شده، آن هم از نوع حماسه تعلیمی، اما قالب اثر جدید از داستان منظوم به داستان منثور تغییر کرده است. این مورد از جمله بخش‌هایی است که ترامتیت ژنت آن را از منظر ارتباط سرمتنی کم‌رنگ می‌داند اما می‌توان گونه‌ای از ارتباط را با وجود تغییر قالب بین همایش پرندگان و منطق الطیر قابل پذیرش دید چرا که «چگونگی نگارش و انتخاب فرم [مثل اقتباس از نظم به نظم، از نظم به نثر و...] در زیرمجموعه استحکام اسلوب زیباشناسی قرار می‌گیرد و این خود نشان‌دهنده ارتباط محتوا و انتخاب فرم است» (فرزین و همکاران، ۱۳۹۷: ۷۲ و ۷۳).

۴-۵ ارتباط بینامتنی همایش پرندگان با منطق الطیر

ارتباط بینامتنی که براساس هم‌حضور متن قبلی در متن جدید شکل می‌گیرد، بین همایش پرندگان و منطق الطیر هم به‌طور آشکار و هم ضمنی قابل ردیابی است. به‌عنوان نمونه‌های

برجسته تر و مشهودتر این روابط بینامتنی می توان ابتدا به کلیت اثر اشاره داشت که به طور ضمنی عصاره منطق الطیر در آن نمود یافته است. همایش پرندگان میناتور از منطق الطیر برای مخاطب کودک و نوجوان است که مقدمات لازم برای برداشت های بزرگسالانه را در آینده برای او فراهم می کند. بنابراین در کلیت کار، بینامتنیت ضمنی را می توان در طرح اصلی و کلی حکایت داستان سفر مرغان مشاهده کرد. هم حضوری متن قدیم در متن جدید منتج به برداشت ضمنی همایش پرندگان از اثر پیشین می شود؛ گونه ای تلمیح و کنایه و اشاره که چون مخاطب خاصی برای آن مورد نظر بوده، کمیت و کیفیت تغییر و تحولات به تناسب آن ها صورت پذیرفته است. پتر سیس از ابتدا با پیرامتن ها و استحالۀ عطار به هیئت هدهد اذعان می دارد که این اثر بازنوشتی از منطق الطیر است و با این اشارات از نقل قول و ارجاع مستقیم در متن خودداری می کند. گونه ای بینامتنیت صریح در آن وجود دارد که با توجه به اشاره آفریننده نمی توان اثر را به بینامتنیت غیر صریح منسوب دانست. به عبارت دیگر، سیس توانسته در همایش پرندگان به گونه ای توأمان برگزفتگی بیش متنی و هم حضوری بینامتنی را در کنار هم بچیند. هم از این رو انتساب بازنویسی یا بازآفرینی صرف بر این اثر جای بحث و چالش دارد.

نمونه ارتباطات بینامتنی صریح موارد زیر است:

الف) فراخوانده شدن پرندگان از سوی هدهد برای یافتن پادشاه و رفتن به سوی کوه قاف: در همایش پرندگان به این صورت بیان می شود که «پرندگانی از سراسر جهان گرد هم آمدند و هدهد رو به آن ها چنین سخن راند: پرندگان! چه ناگوار رخدادها که بر جهان ما می بارد!... می ترسم که نابود شویم! کاری باید بکنیم! من دنیایده ام! رازهای بسیار می دانم. به من گوش سپارید: پادشاهی را می شناسم که برای همه پرسش های ما پاسخ دارد. باید برویم و او را بیابیم» (سیس، ۱۳۹۵). این فراخواندن در منطق الطیر در طی ابیات ۶۸۲ به بعد (عطار، ۱۳۸۸: ۱۰۶) بیان شده است. سیس ادامه می دهد: «این پادشاه واقعی است! او نزدیک نزدیک به ما و ما دور دور از او. نامش سیمرغ و در کوه قاف زندگی می کند» (همان) که بینامتنی این بخش ابیات زیر است که بعضی کلمات صریحاً به آن برمی گردد:

در پس کوهی که هست آن کوه قاف

هست ما را پادشاهی بی خلاف

او به ما نزدیک و ما زو دور دور

نام او سیمرغ سلطان طبور

(عطار، ۱۳۸۸: ۱۰۷)

ب) عذر آوردن پرندگان برای سر باززدن از سفر: از میان ده پرنده ای که در منطق الطیر نزد هدهد عذر می آورند (بلبل، طوطی، طاووس، بط، کبک، همای، باز، بوتیمار، کوف و صعوه)،

سييس عذر شش پرنده يعني اردك، شاهين، جغد، بلبل، طوطی و طاووس را برای مخاطب بيان می کند و باقی را در تصویری که نمایانگر شمار زیادی پرندۀ دودل و ترسان است، نشان می دهد و از حجمی که منطق الطير اختصاص داده، می کاهد:

«اردك: شادمانی من در آب است! سرچشمۀ هر چیزی آب است. [هدهد در تصویر]: جایی که می رویم فراوان آب دارد» (سييس، ۱۳۹۵) که بینامتن آن در منطق الطير ایات زیر است:

گرچه در دل عالمی غم داشتم
شستم از دل کاب همدم داشتم ...
زنده از آب است دائم هر چه هست
این چنین از آب نتوان شست دست

(عطار، ۱۳۸۸: ۱۱۳)

جوابی که هدهد به اردك همایش پرندگان می دهد، با پاسخی که هدهد به بط منطق الطير می دهد متفاوت است:

هدهدش گفت ای به آبی خوش شده
گردِ جانت آب چون آتش شده
در میان آب خوش خوابت ببرد
قطره ای آب آمد و آبت ببرد
آب هست از بهر هر ناشسته روی
گر تو بس ناشسته رویی آب جوی
چند باشد همچو آب روشنست
روی هر ناشسته رویی دیدنت؟

(همان: ۱۱۳ و ۱۱۴)

این تفاوت در پاسخ، حاکی از بیش متنی محتوایی است که سييس برای مخاطب خود در نظر گرفته تا پاسخی که از هدهد می شنود، قابل درك و پذیرش با منطق آنان باشد. با بررسی عذرهای پنج پرندۀ دیگر و پاسخ های هدهد به آنها، بین «عذر» پرندگان سييس و عطار ارتباط بینامتنی برقرار است اما سييس با توجه به مخاطبان خود، «پاسخ ها» را در ارتباط بیش متنی محتوایی تغییر می دهد و از بار عرفانی پاسخ های عطار می کاهد و برای باورپذیری از سوی مخاطب منطق پاسخ های هدهد را هم سنخ اندیشه مخاطب دگرگون می کند.

ج) هفت وادی: در شروع هر وادی در صفحه ای مجزا ضمن ذکر نام آن وادی برجسته ترین ویژگی های آن از منظر سييس برای مخاطب در زیر عنوان هر وادی آورده شده است؛ در واقع ارتباط بینامتنی ضمنی و برگرفتنی بیش متنی درباره محتوای وادی ها جاری است اما در کنار آن بعضی حکایات منطق الطير نیز به صورت صریح در لابه لای وادی ها گنجانده شده است. در وادی کاوش آمده: «پرندۀ و سواسی خاک را الك می کند. می گوید: برای آنکه راهم را بیابم، باید همه جا را جست و جو کنم. هدهد: هنگامی که احساس پوچی می کنی، قلبت را بگشای و بگذار باد در آن بوزد» (سييس، ۱۳۹۵). این حکایت مربوط به حکایت خاک بیز در منطق الطير (عطار، ۱۳۸۸:

۲۲۰) است. دربارهٔ وادی عشق نویسنده تشریح می‌کند: «وادی عشق - اینجا آتشِ فروزان عشق است و عشقِ سوزان آتش است. خرمن آتش عشق ... هم چنان آرام آرام می‌سوزد ...» (سیس، ۱۳۹۵)، این محتوا را از ابیات ۳۳۵۸ به بعد *منطق الطیر* (عطار، ۱۳۸۸: ۲۲۰-۲۲۱) می‌توان دریافت. سیس در وادی شناخت می‌نویسد: «در این وادی هر یک از ما راهی ناهمسان برمی‌گزینیم و از قانون‌های گوناگون سر می‌پیچیم» (سیس، ۱۳۹۵). به‌طور خلاصه این مطلب در این ابیات *منطق الطیر* حضور دارد:

هیچ کس نبود که او این جایگاه	مختلف گردد ز بسیاری راه
لاجرم چون مختلف افتاد سیر	هم‌روش هرگز نیفتد هیچ طیر...

(عطار، ۱۳۸۸: ۲۲۷)

از طرفی یکی از حکایت‌های این وادی یعنی حکایت

بود مردی، سنگ شد در کوه چین	اشک می‌بارد ز چشمش بر زمین
بر زمین چون اشک ریزد زارزار	سنگ گردد اشک آن مرد آشکار...

(همان: ۲۲۸)

نیز در همایش *پرنده‌گان* آورده شده است: «آیا قصهٔ پرنده‌ای که راهش را گم می‌کند، می‌دانی؟ پرنده‌ای که هیچ کس به جست‌وجوی او نرفت؟ او سنگ شد... و از چشمانش اشک می‌بارید. اشک‌هایی از سنگ‌ریزه‌ها که بر زمین روان بودند...» (سیس، ۱۳۹۵) که ارتباط بینامتنی در آن‌ها وجود دارد. در وادی وارستگی حکایتی از *منطق الطیر* دربارهٔ نقش‌ونگار کشیدن حکیم بی‌خرد روی تخته (عطار، ۱۳۸۸: ۲۳۳-۲۳۴) را می‌توان به نوعی در همایش *پرنده‌گان* دید: «پرندهٔ پیشگو بر تختهٔ شنی همهٔ پیکر آسمان و گردون‌ها را به نقش می‌آورد. به ناگهان بادی می‌وزد و... همهٔ نقش‌ونگارهای او را برهم می‌زند و تلی از خاک می‌کند. هرچه دنیای ما استوار باشد... جز مستی شن و خاک چیزی نیست» (سیس، ۱۳۹۵). عطار عامل هیچ و پوچ شدن نقش و نگار را خود نگارنده بیان می‌کند و سیس باد را عامل برهم‌زنندهٔ نقش‌ونگارها معرفی می‌کند. در وادی یگانگی سیس می‌گوید: «همهٔ کسانی که در این وادی گام می‌گذارند از گریبان با یک ریسمان به هم بسته شده‌اند. اگرچه پُر شمار بینی، درواقع اندک‌اند... اگر چیزی باشد» (همان)، با این محتوا در *منطق الطیر* به این شکل برمی‌خوریم:

روی‌ها چون زین بیابان در کنند	جمله سر از یک گریبان بر کنند
گر بسی بینی عدد، گر اندکی	آن یکی باشد درین ره در یکی...

(عطار، ۱۳۸۸: ۲۳۶)

وادی ششم یعنی شگفتی در همایش پرندگان به این شکل تصویر می شود: «وادی شگفتی - مکانی با دردی پایدار و سردرگمی رنج آور. می هراسی که بنگری... می هراسی نفس کشی... که مبادا تیغ های درد به سینه ات فرو رود» (سیس، ۱۳۹۵). در منطق الطیر نیز درباره وادی حیرت به این صورت شرح داده شده است:

بعد از این وادی حیرت آیدت
هر نفس اینجا چو تیغی باشدت
کار دائم درد و حسرت آیدت
هر دمی اینجا دریغی باشدت...

(عطار، ۱۳۸۸: ۲۴۱)

بنابراین هم حضوری متن قبلی در متن جدید را می توان به طور صریح دید. در وادی آخر که سیس آن را مرگ نامیده است، می گوید: «وادی مرگ - در اینجا هیچ چیز نمی بینی. در اینجا هیچ چیز احساس نمی کنی. در اینجا هیچ چیز وجود ندارد. در این وادی همه چیز ساکن و آرام است... رازی بس نهفته دارد» (سیس، ۱۳۹۵). نویسنده از روح عرفانی متن قبلی کمی می کاهد تا آن را برای مخاطب قابل درک و پذیرش کند. منطق الطیر با این ابیات فقر و فنا را توضیح می دهد:

بعد ازین وادی فقر است و فنا
کی بود اینجا سخن گفتن روا...

(عطار، ۱۳۸۸: ۲۴۶)

د) رسیدن به پیشگاه سیمرغ: سیس در همایش پرندگان در این قسمت برای گنجاندن حقیقت عرفانی ارتباط خودشناسی و خداشناسی از جملات روان و کوتاه تکرار گونه و تصاویر متنوع بهره می گیرد تا عمق مطلب را برساند: «و آن ها سیمرغ پادشاه را دیدند و سیمرغ پادشاه همان سی مرغ بودند. سرانجام سی مرغ، یگانه و همدل در این جست و جو به پادشاه خویش رسیدند و آن ها دریافتند که خود، سیمرغ پادشاه هستند... و آن سیمرغ پادشاه هر یک از آن ها هستند... و همه آن ها» (سیس، ۱۳۹۵) که این مطالب را از ابیات ۴۲۶۱ به بعد منطق الطیر می توان دریافت:

چون نگه کردند آن سی مرغ زود
بی شک این سی مرغ آن سیمرغ بود...

(عطار، ۱۳۸۸: ۲۵۸-۲۵۹)

بینامتنیتی صریح و در عین حال ضمنی در این قسمت نیز مشاهده می شود.

بنابراین بعضی بخش ها در عین حال که بینامتنی محسوب می شوند، بیش متنی نیز در آن ها تعریف و لحاظ شده که همایش پرندگان را همچون منطق الطیر در سطح جهانی مطرح کرده است، طوری که نه از باب تقلید و بازنویسی صرف می توان بر آن خرده گرفت و تکراری خواند و نه تغییرات آن به حدی است که رد پای منطق الطیر از آن برداشته شود. چراکه همچون ژنت باور داشته که «آثار ادبی به منزله کلیاتی اصیل، یکتا و یگانه نبوده، بلکه تبیین ها (گزینش ها و

آمیزش‌ها)ی خاصی از یک نظام محصورند» (آلن، ۱۳۸۵: ۱۴۱). این واکاوی، دیدگاه پساساختارگرایان را که منکر توانایی یک رویه نقادانه در بازآرایی دلالتی عناصر یک متن به‌طور کامل بودند، نقض می‌کند و تأیید می‌کند که «ساختارگرایان به توانایی نقادی در تعیین، توصیف، و از این‌رو تثبیت دلالت یک متن و دیگر متن باور دارند، حتی اگر آن دلالت متوجه رابطه‌ای بینامتنی میان یک متن و دیگر متن‌ها باشد» (همان). اما نمی‌توان معضلاتِ ترامنتیتِ ژنت را از جمله «معضل ایجاد نظامی با توجه به پیرامنتیت «درون» و «بیرون» متن؛ مسئله‌ی مناسبات میان ادبیات، دیگر هنرها و متن فرهنگی در کل؛ مسئله‌ی نیت مؤلف، تشکیل آن توسط خواننده، و نقش خواننده در فرآوری معنا» (همان: ۱۶۲ و ۱۶۳) را همان‌طور که در بررسی این پژوهش مشهود بود، نادیده گرفت. به نظر می‌رسد بهتر است که این رویکرد باز در خوانش و مطالعه‌ی ارتباط متون، پیشنهادی برای مطالعه‌ی شبکه‌ای ارتباط‌ها در پیوندی غایی ارائه کند. این ارتباط‌ها در صورت پیشینه‌مند بودن هر یک از این پنج نوع زیرشاخه‌ها می‌تواند در گستره‌ای باز و بی‌کران ادامه یابد؛ بی‌آنکه در کنار هم در نظامی ساختاری و به‌صورت یک کل یکپارچه واکاوی شوند و یا بدون اینکه گونه‌ای دور هرمنوتیکی در آن‌ها لحاظ شود. با این حال پیتر سیس با ابتکار خود در خلق اثری بین بازنویسی و بازآفرینی، پیوندی دائمی بین همایش پرندگان و منطق‌الطیر، بین خود و عطار و در نهایت بین ادبیات کودک و نوجوان و ادبیات کلاسیک و مخاطبان آن‌ها برقرار ساخته و تعامل مداوم متون را تأیید و بر آن تأکید کرده است.

۵- نتیجه‌گیری

تحلیل روابط پنجگانه‌ی این دو اثر نشان می‌دهد که همایش پرندگان اثر پیتر سیس براساس منابع و اسناد پیرامنتی اقتباس‌گونه‌ای از منطق‌الطیر عطار است. ارتباط سرمتمنی همایش پرندگان با منطق‌الطیر، با بهره‌گیری از الگوی سفر قهرمان کمپبل حاکی از ژانر حماسی- تعلیمی با سایه‌روشن ابعاد عرفانی و خرده‌ژانر رساله‌الطیر است. واکاوی بیش‌متمنی همایش پرندگان نسبت به منطق‌الطیر نشان داد علت اینکه در اسناد پیرامنتی بعضی این اثر را بازنویسی و بعضی آن را بازآفرینی می‌دانند، ناشی از کدام ابعاد است؛ بیش‌متمنی تقلیدی آن را به بازنویسی از کلان‌پیرنگ منطق‌الطیر رساند و دگرگونی موجب تغییر بخش‌هایی از جمله کاهش حجم و افزودن تصاویر خیال‌برانگیز و فروکاست بعد عرفانی شد. ارتباط بینامتنی در همایش پرندگان اغلب به‌صورت صریح است؛ اما سیس سعی داشته عصاره و چکیده‌ی اصلی منطق‌الطیر را به مخاطب نوجوان بشناساند و از این منظر می‌توان با احتساب دریافت و خوانش خاص نوجوان، بینامتنیت ضمنی را نیز در کل شاکله‌ی همایش

پرندگان متصور شد. از منظر پيرامتن‌ها هم در زبان فارسی و هم در زبان انگلیسی تعدادی متون از رسانه‌ها و سایت‌ها وجود دارد که این اثر را به منطق الطير پیوند می‌دهد. علت آن، پيرامتن‌های درونی است که سيس در آستانه‌های ابتدایی و انتهایی کتاب خود می‌گنجانند. در آخرین ارتباط یعنی فرامتنیت، می‌توان شرح و تأیید منطق الطير را از خوانش خود سيس دید که چگونه جریان این کتاب را برای خوانش و دریافت عمیق خواننده نوجوان با چاشنی تصاویر علمی-تخیلی و فانتزی به گونه‌ای خاص خود تداوم می‌دهد. بنابراین با کندوکاو ترامتنیت ژنتی ابعاد مختلفی از روابط متون که حتی در مرزهای جغرافیایی متفاوت و در گذر زمان‌های مختلف آفریده شده‌اند، قابل تطبیق و بررسی می‌شوند؛ با وجود بعضی معضلاتی که از منظر رویکردهای خواننده‌مدارانه و واکاوی نظام‌مند در این الگو می‌توان متصور شد.

یادداشت‌ها

- 1-transtextuality
- 2-intertextuality
- 3-hyperatextuality
- 4-paratextuality
- 5-metatextuality
- 6-architextuality

۷- ناشر نسخه انگلیسی کتاب همایش پرندگان انتشارات پنگوئن (Penguin Books) است.

۸- ترجمه کتاب همایش پرندگان، شماره صفحه ندارد؛ به همین دلیل به این کتاب به صورت کلی ارجاع داده شده است.

منابع

آذر، اسماعیل. (۱۳۹۵). «تحلیلی بر نظریه‌های بینامتنیت ژنتی». پژوهش‌های نقد ادبی و سبک‌شناسی. شماره ۳، پیاپی ۲۴. تابستان. صص ۱۱-۳۱.

آرامش فرد، شیدا. (۱۳۹۴). «سیمرغ، کودکانه و فرنگی: نگاهی به شگردهای تصویرگری پيتر سيس در کتاب «مجمع پرندگان» اقتباسی از منطق الطير عطار نیشابوری برای نوجوانان». نقد کتاب کودک و نوجوان. سال ۲. شماره ۷-۸. پاییز و زمستان. صص ۱۱۷-۱۳۴.

آلن، گراهام. (۱۳۸۵). بینامتنیت. ترجمه پیام یزدانجو. تهران: مرکز.

باقری، نرگس. (۱۳۹۳). «بینامتنیت در فراداستان نوجوان قلب زیبای بابور نوشته جمشید خانیان». مطالعات ادبیات کودک شیراز. سال ۵. شماره ۲. پیاپی ۱۰. پاییز و زمستان. صص ۱-۲۴.

بالو، فرزاد و پریسا نصیری و نرگس علی بیگی. (۱۳۹۵). «تحلیل نظریه ترامتنیت ژرار ژنت با تکیه بر پاره‌ای از داستان‌های کليلة و دمنه، مرزبان‌نامه، مثنوی مولانا، و منطق الطير عطار». دومین دوره همایش متن‌پژوهی ادبی (نگاهی تازه به کليلة و دمنه و مرزبان‌نامه). تهران. سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران. صص ۲-۲۶.

- پورنامداریان، تقی. (۱۳۶۸). «شهود زیبایی و عشق الهی». فرهنگ. شماره ۴ و ۵. صص ۱۳۹-۱۸۷.
- پوریزدان پناه کرمانی، آرزو و زینب شیخ حسینی. (۱۳۹۸). «تحلیل روابط بیش متنی رمان کاخ ازدها با میراث متن کهن». زبان و ادب فارسی. شماره ۲۴۰. پاییز و زمستان. صص ۶۷-۸۹.
- پیرانی، منصور. (۱۳۹۷). «بوستان سعدی و ترامنتیت ژنت: پژوهشی در بوستان سعدی با رویکرد ترامنتیت ژنت، از منظر ادبیات تطبیقی». متن پژوهی ادبی. سال ۲۲. شماره ۷۸. زمستان. صص ۱۴۹-۱۷۱.
- جلالی، مریم. (۱۳۹۴). «مبانی نقد بینامتنیت در ادبیات تطبیقی کودک و نوجوان». جستارهای ادبی. سال ۴۷. شماره ۲. تابستان. صص ۱۴۱-۱۶۶.
- حسام پور، سعید و سمانه اسدی و زهرا پیرصوفی املشی. (۱۳۹۵). «درنگی بر پیوندهای بینامتنی در داستان در باغ بزرگ باران می بارید نوشته احمدرضا احمدی». مطالعات ادبیات کودک شیراز. شماره ۱۰. پاییز ۱۳. بهار و تابستان. صص ۲۵-۴۸.
- حسن زاده، المیرا. (۱۳۹۲). «بررسی انتقادی کتاب‌های داستانی اقتباس شده از آثار منظوم عطار برای کودکان و نوجوانان پس از انقلاب اسلامی». پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه فردوسی مشهد. دانشکده ادبیات و علوم انسانی.
- داور، ایلمیرا و ابراهیم سلیمی کوچی و نیکو قاسمی اصفهانی. (۱۳۹۷). «بررسی بینامتنی مفهوم سیمرخ در مجمع مرغان ژان کلود کریبر». پژوهش ادبیات معاصر جهان. دوره ۳. شماره ۲. پاییز و زمستان. صص ۳۵۵-۳۷۰.
- دهقان، علی و دادرس محمدی. (۱۳۹۱). «تحولات اسطوره سیمرخ در گذر از حماسه به عرفان». ادب و عرفان. دوره ۳. شماره ۱۰. بهار. صص ۵۱-۶۶.
- زمانی، فاطمه. (۱۳۹۷). «تحلیل روابط فرامتنی و بیش متنی رمان راز کوه پرند با شاهنامه». مطالعات ادبیات کودک شیراز. سال ۹. شماره ۲ (پیاپی ۱۸). پاییز و زمستان. صص ۷۷-۹۸.
- سنجری، جمیله. (۱۳۸۴). «نقد و بررسی آثار بازنویسی از شاهنامه، کلیله و دمنه، مرزبان‌نامه، منطق الطیر، مثنوی و گلستان برای کودکان و نوجوانان». پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه آزاد واحد کرج. سپس، پیتز. (۱۳۹۵). همایش پرندگان. ترجمه زهره قائینی. تهران: مؤسسه تاریخ ادبیات کودکان.
- شفیعی، سمیرا. (۱۳۹۷). «بررسی و تحلیل نظام روایی رساله الطیرهای فارسی و عربی». رساله دکتری. دانشکده علوم انسانی. دانشگاه تربیت مدرس.
- صافیان، محمدجواد و مهدی غیاثوند. (۱۳۹۰). «هرمونوتیک گادامری و تأویل بینامتنی». ذهن، شماره ۴۸. زمستان. صص ۵۱-۷۸.
- صمدی، کلثوم. (۱۳۹۰). «سیر تطور و تحول رساله الطیرها». پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشکده علوم انسانی. دانشگاه تربیت مدرس.
- عارفی، اکرم و مریم شعبان زاده. (۱۳۹۳). «دگرگونی درون‌مایه قصه‌های عرفانی در بازنویسی‌های آذر یزدی». کاوش‌نامه زبان و ادبیات فارسی. سال ۱۵. شماره ۲۸. بهار و تابستان. صص ۹-۳۸.

عطار نیشابوری، فریدالدین محمد. (۱۳۸۸). *منطق الطیر*. تصحیح محمدرضا شفیعی کدکنی. تهران: سخن.
غفوری، عفت سادات و غلامرضا پیروز و سیاوش حق جو و سهیلا هاشمی. (۱۳۹۵). «نقش عنصر گفت‌و-
گو در رابطه مرید و مراد بر مبنای نظریه سازنده‌گرایی در منطق الطیر عطار». *ادبیات عرفانی و
اسطوره‌شناختی*. سال ۱۲. شماره ۴۵. زمستان. صص ۱۵۵-۱۸۷.

غلامپور آهنگر کلایی، لیلا و محمود طاووسی و شهین اوجاق عزیزاده. (۱۳۹۸الف). «تحلیل پارادوکس در
منطق الطیر عطار و روان‌شناسی یونگ». *زبان و ادبیات فارسی دانشگاه تبریز*. سال ۷۲. شماره ۲۴۰.
پاییز و زمستان. صص ۱۹۳-۲۱۳.

_____ (۱۳۹۸ب). «سیر تحول مفهومی واژه «خود» در *منطق الطیر* (براساس فرایند فردیت)». *شعرپژوهی*. سال ۱۱. شماره ۴ (پیاپی ۴۲). زمستان. صص ۱۶۵-۱۸۴.

فرزین، فاطمه و محمود طاووسی و مریم جلالی. (۱۳۹۷). «شیوه‌های مناسب‌سازی داستان‌های تخیلی
شاهنامه برای کودکان». *زبان و ادبیات فارسی*، دوره ۱۴. شماره ۱۵. پاییز. صص ۶۵-۸۸.
کفاش‌زاده، لیلا. (۱۳۹۸). «همایش پرندگان، بیانیه‌ای برای شناخت خویشتن». *سایت کتابک*. ۱۳۹۹/۵/۱۲
<https://ketabak.org/jg0p9>

کمپیل، جوزف. (۱۳۸۵). *قهرمان هزار چهره*. ترجمه شادی خسروپناه. مشهد: گل آفتاب.
گلی‌زاده، پروین و نسرین گبانجی. (۱۳۹۸). «واکاوی مقایسه‌ای کهن‌الگوی پیر دانا در سه منظومه
منطق الطیر، مصیبت‌نامه و الهی‌نامه». *شعرپژوهی*. سال ۱۱. شماره ۳ (پیاپی ۴۱). پاییز. صص ۱۰۵-
۱۲۸.

محمودی فشارکی، محسن و فضل‌الله خدادادی. (۱۳۹۲). «مقایسه ساختار داستان در دو اثر عطار با تکیه بر
دو الگوی جدید ساختارگرایی داستان‌نویسی». *جستارهای زبانی*، دوره ۴. شماره ۳. پیاپی ۱۵. پاییز.
صص ۱۷۹-۲۰۲.

مرادپور، ندا. (۱۳۹۱). «بررسی بازنویسی و بازآفرینی در ادبیات کودک با نگاهی به بازنویسی آثار عطار». *کتاب مهر*. شماره ۸. زمستان و بهار. صص ۴۴-۵۷.
نامورمطلق، بهمن. (۱۳۸۶). «ترامنتیت مطالعه روابط یک متن با دیگر متن‌ها». *پژوهشنامه علوم انسانی*. شماره
۵۶. صص ۸۳-۹۸.

نجفی بهزادی، سجاد و معصومه مهری قهفرخی و زیبا علیخانی. (۱۳۹۸). «نقد و بررسی برخی از
حکایت‌های بازنویسی‌شده عطار برای نوجوانان». *نقد پارسی*. سال ۲. شماره ۲. بهار. صص ۳۳-۵۴.
نوراللهی، سعیده. (۱۳۹۸). «رابطه متن و تصویر در کتاب همایش پرندگان اثر پیتیر سیس». پایان‌نامه
کارشناسی ارشد. دانشگاه هنر تهران. دانشکده هنرهای تجسمی.

ویلکی، کریستین. (۱۳۸۱). «وابستگی متون: تعامل متون: روابط «بینامتنی» در ادبیات کودک و نوجوان». *پژوهشنامه ادبیات کودک و نوجوان*. ترجمه طاهره آدینه‌پور. شماره ۲۸. صص ۴-۱۱.
همت‌جو، الناز. (۱۳۹۱). «مقایسه الگوی سفر حماسی و عرفانی». پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه ارومیه.

- Aveling, Harry. (2017). "A Pot of Ancient Mystries: An Australian Version of Attar's the conference of the Birds". *Asiatic*. Vol 11. No 20. December. pp 79-91.
- Dadvar, Ilmira and Ebrahim Salimikouchi and Nikou Ghassemi Esfahani. (2019). " An Intertextual Study of the Notion of "Simorgh" in The Conference of the Birds by Jean-Claude Carrière". *Research in Contemporary World Literature*. Vol 23. No 2. autumn -Winter. pp 14-16.
- Genette, Gerard. (1997). *Paratexts Thresholds of Interpretion*. translated by Jane E. Lewin. forezord by Richard Machsey. Cambrodge university press
- Genette, Gerard (1982). *Palimpsestes*. La littérature au second degré. Paris: Seuil
- Manouchehri, Abbas and Gitti Pour Zaki. (2012). " An Analysis of Dialogism in Mikhail Bakhtin's Thought: Convergence of Philosophy and Methodology". *International Journal of Political Science*. Vol 2. No 2. Summer & Fall. pp 1-10.
- Mirenyat, Sayyed Ali and Elaheh Soofastaei. (2015). " Gerard Genette and the Categorization of Textual Transcendence". *Mediterranean Journal of Social Sciences MC SER*. Vol 6. No 5. September. pp 533-537.
- Nikolajeva, Maria. (2008). "Comparative Children's Literature: What is There to Compare". *Explorations into Children's Literature*. Vol.18. No.1. June. Pp.30-40.

References

- Allen, G. (2007). *Intertextuality* (P.Yazdanjoo, Trans.). Markaz.
- Arameshfard, Sh. (2016). Simorgh, childish and western: A look at Peter Sis' illustrations in *The Conference of the Birds: An adaptation of Attar Neishaburi's Mantiq-ut-Tayr* for teenagers. *Children and Young Adults Quarterly Book Review*, 2 (7-8), 117-134.
- Arefi, A., & Shabanzadeh, M. (2015). Changing the mystical themes of Azar Yazdi's stories. *Journal of Research in Persian Language and Literature*, 15 (28), 9-38.
- Attar Neishaburi, F. M. (2010). *Mantiq-ut-Tayr* [Conference of the birds] (M. R. Shafiei Kadkani, Ed.). Sokhan Publications.
- Aveling, H. (2017). A pot of ancient mysteries: An Australian version of Attar's *The Conference of the birds*. *Asiatic*, 11 (20), 79-91.
- Azar, I. (2017). An analysis of Genett's intertextuality theories. *Literary Criticism and Stylistics Research*, 3(24), 11-31.
- Bagheri, N. (2015). Intertextuality in the meta-story of *The Beautiful Heart of Babur* by Jamshid Khaanani. *Journal of Children's Literature Studies*, 5 (2/10) 1-24.
- Baloo, F., Nasiri, P., & Ali Beigi. N. (2017). Analysis of Gerard Genett's theory of transtextuality based on some stories of *Kelileh and Demneh, Marzban-nama*, Rumi's *Masnavi*, and Attar's *Mantiq-ut-Tayr*. *The Second Conference on Literary Textual Studies (A New Look at Kelileh, Demneh and Marzban-nama)* (pp. 2-26). National Library and Archive of the Islamic Republic of Iran.
- Campbell, J. (2007). *The hero with a thousand faces* (Sh. Khosropanah, Trans.). Gole Aftab.
- Dadvar, I., Salimi Kouchi, E., & Ghassemi Esfahani, N. (2019). An intertextual study of the notion of "Simorgh" in *The Conference of the Birds* by Jean-Claude Carrière. *Research in Contemporary World Literature*, 3 (2), 355-370.
- Dehghan, A., & Mohammadi, D. (2012). The upheavals of phoenix mythology in transition from epic to mysticism (based on Firdausi's *Shahnameh* and Attar's *Mantiq-ut-Tayr*). *Erfaniyat dar Adab Farsi (Mysticism in Persian Literature)*, 3 (10), 51-66.
- Farzin, F., Tavousi, M., & Jalali, M. (2019). Ways to adapt *Shahnameh* fiction stories for children. *Persian Language and Literature*, 14 (15), 65-88.
- Genette, G. (1982). *Palimpsestes: La littérature au second degré* [Literature in the second degree]. Seuil.
- Genette, G. (1997). *Paratexts: Thresholds of interpretation* (J. E. Lewin, Trans.). Cambridge University Press.
- Ghafouri, E., Pirooz, Gh., Haghjoo, S., & Hashemi, S. (2017). The role of dialogue in the relationship between master and devotee in *Mantiq-ut-Tayr*: Based on theory of constructivism. *Journal of Mytho-Mystic Literature*, 12 (45), 155-187.

- Gholampour Ahangar Kolaie, L., Tavousi, M., & Ojagh Alizadeh, Sh. (2020a). Analysis of paradoxes in Attar's *Mantiq-ut-Tayr* and Jung's psychology. *Journal of Persian Language & Literature (Former Journal of the Faculty of Literature, University of Tabriz)*, 72(240), 193-213.
- Gholampour Ahangar Kolaie, L., Tavousi, M., & Ojagh Alizadeh, Sh. (2020b). The conceptual evolution of the "self" (khod) in *Mantiq-ut-Tayr*. *Journal of Poetry Studies (Boostan Adab)*, 11(4), 165-184.
- Golizadeh, P., & Gobanji, N. (2020). An archetype comparative analysis of sage on Attar's *Mantiq-ut-Tayr*, *Musibat-nama* and *Ilahi-nama* (expressing the confrontation of sage with the concept of perfect man in mysticism and philosophy). *Journal of Poetry Studies (Boostan Adab)*, 11(3/41), 105-128.
- Hassanzadeh, E. (2014). *A critical analysis of fiction books adapted from Attar's poems for children and adolescents after the Islamic revolution* [Master's Thesis]. Mashhad Ferdowsi University.
- Hemmatjoo, E. (2013). *Comparison of epic and mystical journey's pattern* [Master's Thesis]. Urmia University.
- Hesampour, S., & Asadi, S., & Pirsoofi Amlishi, Z. (2017). Reflection on intertextual links in the story *It is Raining in the Big Garden* by Ahmad Reza Ahmadi. *Journal of Children's Literature Studies*, 7(1), 25-48.
- Jalali, M. (2016). Applied principles of criticism in comparative children's literature. *Literary Studies*, 47(2), 141-166.
- Kaffashzadeh, L. (2020, August 2). *Birds' conference: An announcement for self-recognition*. Ketabak Site. <https://ketabak.org/jg0p9>.
- Manouchehri, A., & Pour Zaki, G. (2012). An analysis of dialogism in Mikhail Bakhtin's thought: Convergence of philosophy and methodology. *International Journal of Political Science*, 2 (2), 1-10.
- Mirenayat, S. A., & Soofastaei, E. (2015). Gerard Genette and the categorization of textual transcendence. *Mediterranean Journal of Social Sciences (MCSEER)*, 6(5), 533-537.
- Mohammadi Fesharaki, M., & Khodadadi, F. (2014). The comparison of structure of story in Attar's two works: According to two new patterns of narrative structuralism. *Language Related Research*, 4 (3/15), 179-202.
- Moradpour, N. (2013). The study of rewriting and recreating in children's literature with a look at the rewriting of Attar's works. *Book of Mehr*, (8) 44-57.
- Najafi Behzadi, S., Mehri Ghahfarokhi, M., & Alikhani, Z. (2020). Review of some reverend narratives of Attar for teens. *Ghand Parsi (Journal of Persian Language and Literature)*, 2 (2), 33-54.
- Namvar Motlagh, B. (2008). Transtextuality: Study of a text's relationship with other texts. *Journal of the Humanities*, (56) 83-98.
- Nikolajeva, M. (2008). Comparative children's literature: What is there to compare. *Explorations into Children's Literature*, 18 (1) 30-40.
- Noorullahi, S. (2020). *The relationship between text and image in The Conference of the Birds by Peter Sis* [Master's Thesis]. Tehran University of Art.
- Pirani, M. (2019). *Boustan of Sa'di and transtextuality of Genette: A research on Sa'di's Boustan with Genette's approach of transtextuality from the perspective of comparative literature*. *Literary Text Research*, 22 (78), 149-171.
- Pournamdarian, T. (1990). Intuition of beauty and divine love. *Culture*, (4 & 5) 139-187.
- Pooryazdanpanah Kermani, A., & Sheikh Hosseini, Z. (2020). Analysis of hypertextual relationships of the novel *Dragon Palace* with the old text legacy. *Journal of Persian Language & Literature (Former Journal of the Faculty of Literature, University of Tabriz)*, 72(240), 67-89.
- Safian, M. J., & Ghiasvand, M. (2012). Gadamerian hermeneutics and intertextual interpretation. *Mind*, 12 (48), 51-78.
- Samadi, K. (2012). *The trend of evolution of Birds' Treatise* [Master's Thesis]. Tarbiat Modares University.

- Sanjari, J. (2006). *Critique and review of rewritten works from Shahnameh, Kelileh and Demneh, Marzban-nama, Mantiq-ut-Tayr, Masnavi and Golestan for children and adolescents* [Master's Thesis]. Karaj Islamic Azad University.
- Shafiee, S. (2019). *Study and analysis of the narrative structure of Persian and Arabic Birds' Treatise* [PhD Dissertation]. Tarbiat Modares University.
- Sis, P. (2017). *The conference of the birds* (Z. Ghaini, Trans.). Research Institute of Children's Literature.
- Wilki, Ch. (2003). Text dependence: Text interaction: Intertextual relationships in children and adolescent literature (T. Adinehpour, Trans.). *Journal of Children and Adolescent Literature*, (28) 4-11.
- Zamani, F. (2019). Metatextual and hypertextual analysis of the novel *Mystery of the Bird Mountain and Shahnameh*. *Iranian Children's Literature Studies*, 9 (2/18), 77-98.



Analysis of Transtextual relation between *The Conference of the Birds* by Peter Sis and Attar's *Mantiq al-Tair*¹

Sarah Zabihi²
Ahmad Razi³

Received: 2020/08/26
Accepted: 2020/12/27

Extended Abstract

Attar's *Mantiq al-Tair*, a classical Persian literature heritage, has transcended the local geography and has been considered at worldwide level. One of the fiction books published under the influence of Attar's *Mantiq al-Tair* is *The Conference of the Birds* by Peter Sis, the Czech writer, illustrator, and filmmaker. The book was recreated and illustrated by Sis for children, adolescents, and adults in 2011 and after it he won Hans Christian Andersen Award or the biennial Little Nobel Prize—the most prestigious literary and artistic award in the field of children's literature. Zohreh Ghaeini, a writer and researcher of children's literature, translated this book into Persian in 2016. Next year, she was selected as one of the nominees for the sixth period of receiving Golden and Silver Flying Turtle Award for adolescents at domestic festivals. Adopting descriptive-analytic method, intertextuality approach, and specifically Gérard Genett's theory of transtextuality with a critical look, this article attempts to describe and analyze the transtextual relationship between *The Conference of the Birds* and Attar's *Mantiq al-Tair*.

Intertextuality has long engaged researchers with the premise that texts interact with each other. Intertextual method has roots in the works of Russian critic, Mikhail Bakhtin. All the theorists have presented their own view of dialogism. Among others, Genette proposed and completed his model of "transtextuality" in the twentieth century based on Bakhtin's dialogism principles. His theory of transtextuality includes five types of relations including "intertextuality", "hypertextuality", "paratextuality", "metatextuality", and "architextuality". In the following, these relations are described and analyzed in *The Conference of the Birds*.

Paratextuality includes intra-textual and extra-textual paratexts that are the gateways to enter or exit the text. It is considered an influential element that affects the audience mind and perception. Examples of intra-paratexts are title, second title, book size, cover design, and the like. Extra-paratexts can be divided into two categories of paratexts created by the author and publisher to attract the audience,

1. DOI: 10.22051/jml.2021.32838.2092

2. PhD student of Persian Language and Literature, Faculty of Literature, University of Guilan, Guilan, Iran (Corresponding author), sarah_zabihi@phd.guilan.ac.ir

3. Professor of Persian Language and Literature, Faculty of Literature, University of Guilan, Guilan, Iran, razi@guilan.ac.ir

and paratexts created by other people, including critics or reporters and other authors to promote or critique the text. *The Conference of the Birds* by Peter Sis is an adaptation of Attar's *Mantiq al-Tair* based on paratextual sources and documents. The author's explanations concerning the book's connection to Attar's and his announcement of copyright permission granted to Research Institute of Children's and Adolescents' Literature are examples of intra-paratexts. Extra-paratexts can also be seen on Persian and English sites and some media.

Intertextuality is the interconnection and relationship between two texts, which includes explicit (verbal), non-explicit, and implicit relations. Implicitly, the essence of *Mantiq al-Tair* is reflected in the main and general plot of *The Conference of the Birds* by Sis. From the beginning, through paratexts and references to Attar's metamorphosis to Hudhud, Sis acknowledges that this work is a rewriting of *Mantiq al-Tair* and with these references he avoids using quotes in the text. Examples of intertextuality are the birds being called by Hudhud to seek the king and set out on a journey to Mount Qaf; the birds bringing pretexts for not going on the trip; the seven valleys (Haft Wadi); and reaching Simorgh.

Metatextuality is the explicit or implicit critical commentary of one text on another. In *The Conference of the Birds*, which is itself an adaptation of *Mantiq al-Tair*, the effects of conforming to *Mantiq al-Tair*'s atmosphere in the general formation of the new work cannot be neglected. During the transfer, *Mantiq al-Tair*'s atmosphere, which is mystical-didactic, has been reduced to a moral-didactic one in *The Conference of the Birds*; a kind of description and confirmation that the author has adopted in recreating that great classic work taking into account the target audience and the circumstances. Thus, metatextual relations between *The Conference of the Birds* and *Mantiq al-Tair* are formed based on the main story.

Architextuality is the relationship between a work and the generic category to which it belongs. The genre of *Mantiq al-Tair* and *The Conference of the Birds* can be viewed from two perspectives: one is the genre of mystical epic, and the other is the sub-genre of Risalat al-Tair, a branch of didactic genre. The epic genre has indeed been transferred to *The Conference of the Birds* and has turned it to a didactic epic; however, the format of the new work has changed from a poetic story to a prose one. This part is one of the aspects that Genette's transtextuality considers it to be weak in terms of architextual relationship.

Hypertextuality is a relationship based on the adaptation of text B from text A; which is divided into two types of transformation or imitation. From imitation view, the plot and structure of the work can be considered an imitation of the original plot and style of Attar's *Mantiq al-Tair*. This imitative plot, which forms the plot of *Mantiq al-Tair*, has been rewritten for children and adolescent audience. Reducing the volume, adding imaginative illustrations, and reducing the mystical dimension could be considered as instances of transformation.

Accordingly, by exploring Genette's transtextuality, different dimensions of textual relationships can be examined which have even been created at various geographical boundaries and over different times; though some criticisms are leveled against this model by reader-oriented and systematic analysis approaches.

Keywords: Mystical-didactic epic, Transtextuality, Rewriting texts, Recreating, Genette